

نشریه علیه سرمایه

تریبون کارگران ضد سرمایه داری

آبان 1399

شماره 31

کارگران و کفاره فرار از مبارزه رادیکال طبقاتی

«گر تو ز خورشید حمل سر کشی - بفسری و برف زمستان شوی»

همین سه، چهار سال پیش، جنبش کارگری ایران حال و هوایی متفاوت با امروز داشت. اعتصاب چندین هزار نفری رانندگان شبکه سراسری حمل و نقل، برای هفته ها پروسه دورپیمائی سرمایه داری را به ورطه اختلال انداخت و فاشیسم اسلامی بورژوازی را دچار وحشت کرد. غریو خیزش کارگران عاصی در آبانماه 1396، در بیش از 100 شهر بزرگ و کوچک، زمین زیر پای حاکمان سرمایه را لرزاند. زنجیره طولانی اعتصابات کارگری در تمامی 31 ایالت کشور فضائی پرشور، مالا مال از انتظار، امید، احساس قدرت، چشم دوختن به میداناری نیرومندتر را پیش روی کارگران آورد. فضائی که کارگران هفت تپه، بخش آموزش و درمان، هپکو، آذرآب، راه آهن سراسری، شهرداری ها، معادن، مراکز بزرگ و متوسط دیگر، بر اشتعال آن افزودند، به آن گرما بخشیدند و این جمع بندی مشترک را بر طنین می ساختند که باید مبارزه کرد، توان پیکار را افزایش داد. در سپهر همین شور، قهر، امید و اعتراض بود که بذر شورش آبان آبیاری گردید و به بار نشست. در برخی از این سالها شمار اعتصابات، تظاهرات، راهبندان ها تا سقف 5000 یا بیشتر پیش تاخت. صدای همبستگی از همیشه پرخروش تر شد، ساز برپائی «شوراها» پرشور شد و ناله های احتضار آمیز سندیکاسازی از همه وقت خاموش تر و شرمناک تر گردید.

این وضع اینک تغییر کرده است. مبارزات کارگران ادامه دارد زیرا قهر، عصیان و خشم علیه فشار استثمار مرگزا، قابل تعطیل نمی باشد. شکم گرسنه قادر به آرام گرفتن نیست. در طول همین ماه گذشته بیش از 80 اعتصاب، تظاهرات و اعتراض کارگری در مراکز مختلف کار رخ داده است. چند ماه قبل اخبار وقوع اعتصاب همزمان توده کارگر در چندین استان همه را مشغول کرد. بحث بر سر آتش بس نیست، اما یک چیز عیان و غیرقابل انکار است. دیگر شاهد شور، امید، همدلی، «حمایت» و همصدائی سه سال پیش میان کارگران نیستیم. 100 روز است که کارگران هفت تپه در حال اعتصابند اما مبارزات آنها برخلاف سالهای قبل کانون رجوع همبستگی ها و حمایتها نگردیده است، همصدائی کارگران 20 مرکز کار در سراسر جامعه را به دنبال نداشته است حتی در درون خود هر روز از روز پیش ضعیفتر، فرسوده تر و بی افق تر شده است. از فریاد همپیوندی کارگزاران دانشجو با والدین معترض در حال پیکار خبری نیست. اعتصابات در قیاس با آن چند سال، سست، متزلزل و بدون رمق شده است. در خیلی موارد شروع نشده بدون نتیجه به نقطه پایان می رسند، کارگران هپکو راه آهن سراسری سرمایه را متوقف نمی کنند، شکرسازان هفت تپه بزرگراههای مواصلاتی سرمایه داری را مسدود نمی سازند، آذر آبی ها همصدا با هپکوئیها سنگفرش خیابان های اراک را قهربران نمی نمایند. خیلی کارهای دیگر هم انجام نمی گیرد. این تغییرات رخ داده است. می توان خبر تلخ را نشنید، افت ها را انکار کرد، همه حوادث را متعارف قلمداد نمود. اما این کار فقط شایسته سندیکالیست ها است، رسم همیشگی

حزبیون است، چار بالای فیلسوف نمایان است، رسم کارگران دردمند این نیست. درد را باید فریاد زد تا کل دردمندان به فریاد آیند. چرا شور، خروش، امید، انتظار و میداناری سه سال پیش جای خود را به اعتراضات فرسوده و یأس آلود داده است. باید ریشه ماجرا را کاوید و راه خروج از وضعیت غمبار مستولی را جستجو نمود. این کار حیاتی است، اما پیش از آن و در آستانه واکاوی لازم است حقیقتی را تصریح کنیم. یک جنبش یا هر موج طغیان، جدا از تمامی تعینات قهری طبقاتی، اجتماعی، تاریخی به یک جنین می ماند. اگر نبالد، رشد نکند و راه زادن پیش نگیرد، می میرد و سقط می گردد. اعتصابات زنجیروار آن سالها به رغم پاره ای درخشش ها در هیچ زمینه ای به هیچ پیروزی دست نیافتند. هیچ یک از خواست های نازل خود را محقق نمودند، در هیچ کجا بورژوازی و دولتش را مجبور به عقب نشینی نکردند، همه جا پشت دیوار بلند بی اعتنائی سرمایه فرسودند. جنبش کارگری در قعر این وضعیت دو راه بیشتر پیش رو نداشت. یا باید به آناتومی شرایط می پرداخت، ضعفهای بنیادی خود را می کاوید، سدهای سر راه را می شناخت و آماج چالش می ساخت، به جلو می تاخت و برای پیکارهای بعدی سنگی روی سنگ می نهاد، در غیر این صورت چاره ای نداشت جز آنکه زبون، فرومانده، سرگردان راه پسگرد پیش گیرد و دلیل تر از قبل شروع به چرخش چرخ ارزش افزائی و تولید سود برای سرمایه کند. حقیقت این است که حالت دوم رخ داد، اما فاجعه به همین جا محدود نبود. توده های کارگر با این همه اعتصاب، اعتراض، میداناری، شورش و ایستادگی نه فقط هیچ چیز به دست نیاوردند، که مثل همیشه، مانند تمامی دوره های قبل، هیچ گامی برای واکاوی ریشه های این فروماندگی و شکست برنداشتند!! همه چیز بدون استثنا، طبیعی و معمول تلقی گردید!! شکست سرنوشت طبیعی مبارزه تلقی شد و اگر پرسشی پیش آمد، پاسخش آن بود که صاحبان سرمایه قدرت دارند، دولت دارند، به اعتراضات وقعی نمی گذارند. شاید این تحلیل ها!! با عباراتی هم تکمیل گردید!!، به طور مثال کارگران سندیکا ندارند!!، حزب ندارند!!، حق متشکل شدن دارا نیستند، از حق اعتصاب برخوردار نمی باشند و اورادی که نوع آنها در سراسر تاریخ، با الفاظ، معیارها، ادبیات و عرف هر دوره بر زبان منفعل ترین، متحجرتترین و مطیع ترین بخش استثمارشدگان عاصی تاریخ جاری بوده است.

مبارزات سالهای اخیر موفقیتی به دست نیاورد، به این دلیل روشن که جنبش کارگری به گونه رقت انگیزی بر پاسداری از فرمیسم و فرار از مبارزه رادیکال طبقاتی ضد سرمایه داری اصرار می ورزد. این یگانه دلیل واقعی کل شکستهای جنبش کارگری در تمامی قرن بیستم، در سراسر دنیا، از جمله اعتصابات زنجیروار و خیزش های وسیع توده کارگر ایران در این سالها است. کارگران شکست خوردند زیرا هیچ گامی برای ظهور نیرومند به صورت یک جنبش سراسری سازمان یافته، شورائی و ضد سرمایه داری بر نداشتند، در چهاردیواری کارخانه ها به دور خود چرخیدند، فروشنده نیروی کار بودن را تقدیر زندگی و سرنوشت محتوم خود دیدند!! از قبول این تقدیر عزیمت کردند و خواست پرداخت به موقع مزدها را آخرین ستیغ انتظار دانستند. خود را نه فردی از طبقه کارگر، نه یک سلول رزمنده انداموار از یک قدرت پرشکوه طبقاتی و تاریخی که موجودی مفلوک در داد و ستد فلاکت آمیز میان خود و کارفرما بازشناسی کردند!! به قدرت، نقش آفرینی و تاریخسازی طبقه خود گوشه چشمی نیانداختند، در حقارت کارگر این یا آن کارخانه، بودن غوطه خوردند. حصول مزد و کارگر مزدی بودن را کعبه آمال پنداشتند و برای لحظه ای به تدارک همپیوندی، همزمی، همسنگری و ابراز وجود سازمان یافته شورائی و سراسری برای تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی فکر نکردند، حاضر به شنیدن امکان پذیری مبارزه متحد شورائی برای حصول این هدف نشدند. محو سرمایه داری را نه کار خود که معجزه منجیان دیدند!! معیشت، رفاه، آزادی، رفع تبعیضات جنسیتی، دارو و درمان، محیط زندگی سالم را نه در مبارزه متحد شورائی و طبقاتی علیه سرمایه داری که در رژیم ستیزی دموکراتیک و به قدرت رسیدن اعظم اندیشمند حزب نشین انگاشتند. وضع امروز جنبش این است و بیشترین بخش از خیل کثیر فعالانش!! پاسداران جان سخت بقای

این وضع هستند. سندیکاسازند، حزب بازند، فیلسوفند، محفل نشین و اهل نظریاتی های منحنی انفعال انگیزند. زندگی و مبارزه کارگران برایشان هیچ چیز نیست. داشتن یک دکه سوداگری سیاسی، حرافی برایشان همه چیز است. توده کارگر مادام که اسیر این وضع است شاهد هیچ پیروزی در هیچ عرصه ای نخواهد بود. باید راه ارتقاء به یک قدرت سازمان یافته سراسری شورائی را پیش گیرد، سوار موج این قدرت در هر سطح و به هر میزان برای خارج سازی محصول کار و تولیدش از چنگ سرمایه بگردد، تسلط کامل شورائی بر سرنوشت کار، تولید و زندگی را دستور کار روز پیکار کند. بهبود معاش، رفاه، آزادیهای سیاسی، حقوق اجتماعی، رفع ستم جنسیتی، محیط زیست بهتر و همه چیزش را لحظات و سنگرهای پیوسته این جنگ سازد. کارگران ضد سرمایه داری مهر 1399

"جامعه شورائی" را برپا کنیم

در جهنم سرمایه داری ایران در مقابله با فقر و فلاکت، تعویق دستمزدها، بیکارسازی، کشتار آزادی ها، تبعیضات ضد انسانی جنسیتی، آلودگی های مرگ آور زیست محیطی و دیگر جنایات نظام سرمایه داری اسلامی هر روزه و در همه جای ایران موجی از مبارزه و اعتراض در حال جوشش و خروش است. اما این مبارزات هیچ نتیجه نداده است. از اعتراضات کارگران محافظه کار متوسل به قانون اساسی و قانون کار، بست نشین وزارتخانه و مجلس که بگذریم حتا کارگرانی که قوانین و نظم و نظام سرمایه را به هیچ می شمارند و دست به اعتصاب می زنند نیز هیچ دستاوردی نداشته اند. برای خلاصی از این بن بستی که سالهاست ما را در خود پیچیده باید راهی جست.

برای تحمیل خواست های خویش بر طبقه سرمایه دار و دولتش نیازمند قدرت هستیم. با شقه شقه کردن و صنف گرائی و مبارزه محصور در چارچوب محیط کار و جدای از هم، نمی توان سرمایه داران خصوصی و دولتی و حکومت جنایتگر سرمایه را شکست داد. زن و مرد، کارگر صنعتی، کارمند، معلم، پرستار، خانه دار، بازنشسته، فارغ از مرزهای جنسیتی، قومی و اعتقادی، دست در دست هم گذاریم و به صورت یک طبقه متحد گردیم، با قدرت سراسری شورائی خویش وارد میدان جنگ علیه سرمایه داری شویم.

نظام سرمایه داری بر کار مزدی ما، بر کار پرداخت نشده ما استوار است. بنیاد هستی سرمایه بر جدائی ما از کار و از محصول کارمان استوار است. ما از هر نوع دخالت در تعیین تکلیف کار، حاصل رنج و تولید و زندگی خویش ساقط هستیم. طبق آمارهای بانک مرکزی رژیم اسلامی، متوسط اضافه ارزش سالانه تولید شده توسط توده های کارگر بیش از 1300 تریلیون تومان است. اگر سرمایه های سپاه پاسداران، بنیاد مستضعفان، آستان قدس، ستاد اجرائی فرمان خاмене ای که هیچ گزارش مالی به مراکز آماری نمی دهند را نیز اضافه کنیم، می توان گفت که متوسط اضافه ارزش تولید شده توسط طبقه کارگر ایران در هر سال از 2000 تریلیون تومان کمتر نیست. این ارزش ها نصیب دولت، ارتش، سپاه، بسیج، پلیس، نهادهای بشرستیز امنیتی، قضائی، دستگاههای نفرت انگیز شستشوی مغزی انسانها مانند صدا و سیما، حوزه های دینی، مساجد، حسینیه ها، مراکز روضه خوانی و مداحی، شبکه های تبلیغاتی یا سایر نهادهای سرکوب فکری ما می شوند. این نهادهای سرکوب فیزیکی و فکری، حاصل کار طبقه ما را می بلعند تا سرمایه داری را پا برجا و بر ما تحمیل کنند، خرج رقابت ها و توسعه طلبی های حکومت سرمایه در منطقه و جهان گردند، صرف رفاه، شادی، تفریح، کاخسازی و لواسان آفرینی طبقه سرمایه دار شوند.

تمام این ارزشها را ما تولید کرده ایم، مائیم که باید در باره چه تولید شود، چه تولید نشود و سرنوشت کار و تولید و زندگی خویش برنامه ریزی کنیم. تصمیم بگیریم که از کل این محصول، چه درصد به معیشت، چه درصد به بهداشت و

دارو و درمان و محیط زیست، چه درصد به آموزش و پژوهش، چه درصد به نگهداری سالمندان، معلولان و پرورش کودکان، چه درصد برای آبادانی، تفریح و عرصه های دیگر زندگی اجتماعی هزینه شود. با قبول برده مزدی ماندن و چانه زنی برای افزایش مزد و یا پشت سر این و آن حزب و شخصیت صف بستن و دادن فرصت ماندگاری به سرمایه داری فقط از چاهی به چاه دیگر خواهیم افتاد. با محور کار مزدی با انحلال کلیه نهادهای طبقه سرمایه دار و برچیدن هر نوع دولت بالای سر، اداره شورائی جامعه را به دست گیریم.

کارگران ضد سرمایه داری - مهر 1399

چند ملاحظه در باره اطلاعیه «حمایت» کارگران هفت تپه از معلمان!

کارگران هفت تپه با صدور اطلاعیه ای زیر نام بزرگداشت روز معلم و حمایت از خواسته های معلمان، نکاتی را مطرح نموده اند که گواه تأثیرپذیری آنان از القائنات مسموم و تولیدات سهمناک ماشین تحریر سرمایه است. جنبش کارگری باید این وارونه بینی ها و تلقیات مخرب را از ساحت شناخت، آگاهی و پروسه کارزار جاری طبقاتی خود پالایش کند. در این گذر به چند نکته زیر اشاره می کنیم.

1 - همزنجیران ما گفته اند: «معلم با دغدغه نان، کار شیفت دوم و انواع محدودیت ها نمی تواند نقش تربیت و آموزش دانش آموز را آن طور که انتظار می رود ایفاء کند» وحشت گرسنگی و کار دو شیفتی مرگبار جنایت هولناکی است که سرمایه داری و رژیم اسلامی سرمایه بر توده کارگر تحمیل کرده است. باید علیه این وضعیت و نظام بانوی آن جنگید، اما تصور اینکه با بهبود معاش معلمان، آموزش و پرورش حاضر، انسانی، متضمن رشد و شایسته انسان گردد یک توهم پردازی محصول ماشین شستشوی مغزی سرمایه است. علم نیاز حیاتی بشر و یادگیری، پژوهش، تعمیق و گسترش آن جزء لاینجزای پروسه کار انسانی برای بازتولید و غنای بدون مرز زندگی خود است. این بدیهی ترین بدیهیات است اما تعلیم و تربیت موجود، در ماهیت، محتوا، جهتگیری، هدف و همه چیزش بدون استثنا در خدمت پاسخ به نیازهای چرخه تولید سرمایه، ارتقاء سرطانی بارآوری کار، افزایش کهکشانی سود، انباشت و تحکیم پایه های حاکمیت نظام بردگی مزدی است. معضل این آموزش بر خلاف انگاره پردازیه های بورژوازی یا منتقدین دموکراسی جوی رژیم های حاکم سرمایه به هیچ وجه در غلظت سموم شعورزدای دینی و ناسیونالیستی آن خلاصه نمی گردد. شالوده دانش، کشف، پژوهش، ابداع، یادگیری، اختراع و همه مسائل مربوط به علم، آموزش و پرورش سرمایه داری، بر قربانی ساختن هر چه رعب انگیزتر بشر در آستانه سودآوری هر چه غول آسوتر و انباشت هر چه سونامی وارتر سرمایه استوار است. به شرایط روز دنیا نگاه کنید، دانش بشری در دستان سرمایه در حالی که در عرصه افزایش طغیان آمیز بارآوری کار و تشدید سهمگین استثمار کارگر عظیم ترین تکنیکها را آفریده است، در حالی که برای سود کهکشانی تر سرمایه، کل خورد و خوراک، پوشاک، هوای تنفسی، زمین، دریا، آب آشامیدنی، کوه و جنگل را مالمال از میلیونها سموم مهلک کرده است در مقابل ویروس مرگباری مانند کرونا و بیماری کووید 19 یا هزاران بیماری دیگر، مفلوج، مفلوک، مستأصل و زبون زانو زده است. چرا؟ پاسخ روشن است. آنچه در برنامه ریزی دانش، پژوهش، کشف و کندوکاو سرمایه محلی از اعراب ندارد انسان و آنچه حائز کل نقشها، اهمیتها و اعتبارها است سود و باز هم سود است. این سخن که گویا اگر معاش معلمان بهبود یابد آموزش و پرورش موجود پاسخگوی نیازهای رشد، شکوفائی و بلوغ بشر خواهد شد!! به این می ماند که بگوئیم اگر دستمزد کارگران هفت تپه افزایش یابد آنها مؤمن تر کار خواهند کرد و حاصل کارشان مایه بالارفتن رفاه، سلامتی و بی نیازی از سر و دوش انسانها خواهد گردید!! اینها توهمات ساخته و پرداخته سرمایه است.

تا این نظام باقی است کارگر هر چه بیشتر کار کند خود را زبون تر و سرمایه را فربه تر می سازد، هر چه مؤمن تر خود را بفرساید، احمقانه تر و بی شعورتر خود را در آستانه سودآفرینی سرمایه قربانی می کند.

2 – کارگران هفت تپه نوشته اند: «معلمان مانند ما کارگران در این سالها زیر انواع فشار، پرونده سازی و زندان بودند... ما کارگران ضمن ابراز همدردی با معلمان عزیز، خواستار آزادی فوری آنها ... هستیم.» اصرار تعصب آمیز نویسندگان اطلاعیه بر کارگر نبودن معلمان، تفکیک طبقاتی میان معلم و کارگر و اینکه زیر بیرق کارگر از موجودی به نام معلم که گویا کارگر نیست!!! حمایت می کنند، یک تلقی بسیار زیانبار شایع میان بخشی از توده کارگر و جنبش کارگری است. فعالان ضد سرمایه داری در این باره به اندازه کافی گفته و نوشته اند، آنان توضیح داده اند که معلم، پرستار، بهیار، مترجم، لایه ای از کارکنان ادارات دولتی و خصوصی، راننده، خبرنگار و خیلی های دیگر به همان اندازه می توانند کارگر باشند که نیروی فروشنده نیروی کار در صنایع یا حوزه های دیگر انباشت سرمایه، کارگرند. کارگر کسی است که نیروی کارش را می فروشد، هر مزد و حقوق بگیری کارگر نیست. کارگر با فروش نیروی کارش از کار خود، از هر نوع تصمیم گیری در باره سرنوشت کار، تولید و زندگی خود ساقط می گردد. معلم، کارگر است و جمعیت کثیر معلمان جزء غیر قابل تفکیک طبقه کارگر را تشکیل می دهند. این فقط فرمیستهای سندیکیالیست هستند که آگاهانه یا ناآگاهانه و در هر دو حال به نفع سرمایه بر غیرکارگر بودن معلمان، صنف صنف نمودن توده فروشنده نیروی کار سماجت می ورزند و از این طریق ضربه مهلکی بر شیرازه همبستگی و همجوشی طبقاتی کارگران وارد می سازند.

3 – اطلاعیه نویسان می گویند: «ما کارگران از حق تشکل مستقل معلمان دفاع می کنیم» این حرف نه فقط هیچ نشانی از هیچ جهتگیری آگاهانه کارگری برای هموارسازی راه سازمانیابی طبقاتی ضد سرمایه داری توده کارگر ندارد که بالعکس، در راستای ویرانسازی هر سنگ بنای این سازمانیابی است. لفظ «تشکل مستقل» در اینجا اسم رمزی برای اشاعه راهبردهای من سندیکیالیستی و کفن و دفن طبقه کارگر در گورستان فرمیسم راست اتحادیه ای است. تشکل مستقل کارگران فقط جنبش شورائی سازمانیافته سراسری ضد سرمایه داری آنان است. جنبشی که نمایش قدرت متشکل، متحد و یکپارچه توده کارگر در صف پیکار علیه سرمایه باشد، تشکل مستقل مطمح نظر نویسندگان اطلاعیه سوای دکه سوداگری از نوع «کانون صنفی معلمان»، سندیکای هفته تپه، شرکت واحد و مانند اینها هیچ چیز دیگر نیست. تشکلهائی که پدید می آیند تا جنبش کارگری را شقه، شقه کنند، در قانون مداری، قانونسالاری، نظم حقوقی، مدنی و سیاسی سرمایه مدفون سازند. از هر گونه خیزش و پیکار ضد کار مزدی باز دارند، دکه ای برای چانه زدن و داد و ستد مثنی سندیکیالیست با صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری باشند و در یک کلام راه پیکار طبقاتی توده کارگر را سد سازند.

4 – کارگران هفت تپه در اینجا نیز مثل همه جاهای دیگر تغییر شکل مالکیت سرمایه، دولتی ماندن مراکز کار و تعطیل خصوصی سازی را نوشداروی حیات خویش، معلمان و سایر کارگران دانسته اند. در این مورد نیز فراوان گفتگو شده است. اما نویسندگان اطلاعیه بر کارساز بودن مالکیت دولتی سرمایه در تضمین اشتغال و فقرزدایی از زندگی کارگران اصرار دارند!!! آنها می توانند چنین انگارند، اما زمین و زمان دنیای سرمایه داری در گوش هر کارگر دارای حداقل آگاهی و شعور طبقاتی فریاد می زند که مشکل وجود سرمایه و نه شکل مالکیت آن است. قابل تعمق است که همین اطلاعیه حی و حاضر هفت تپه ای ها در جمله، جمله خود از فقر، فلاکت، وضعیت پریشان و فاجعه بار اشتغال معلمان می گوید. اکثریت غالب معلمان، کارگران دولت سرمایه اند، از میان این توده کثیر یک میلیونی کارگر، بخش چشمگیری به لحاظ بهای نیروی کار، امنیت اشتغال و سایر شرایط زندگی وضعیتی کاملاً وخیم دارند. به صورت گاه مزد، یا در واقع با بدترین قرارداد کار استثمار می شوند، سه ماه از سال هیچ ریالی دریافت نمی کنند، فاقد هر نوع تضمین برای ادامه فروش نیروی کار خود هستند و فراروان بدبختی های دیگر، باز هم تصریح و تکرار می کنیم. باید یک قدرت

متحد شورائی سراسری شد و علیه موجودیت سرمایه جنگید. تنها از این طریق می توان سرمایه داران را مجبور به عقب نشینی و قبول خواسته ها کرد. با دخیل بندی به بارگاه قدرت سرمایه و خواست تغییر شکل مالکیت مرکز کار از خصوصی به دولتی هیچ گرهی در هیچ کجای زندگی هیچ کارگری گشوده نخواهد شد.

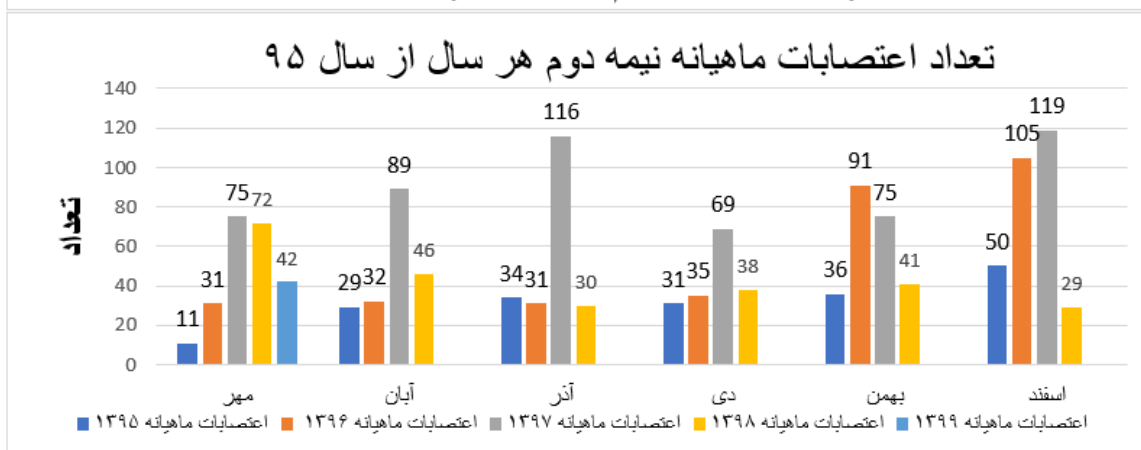
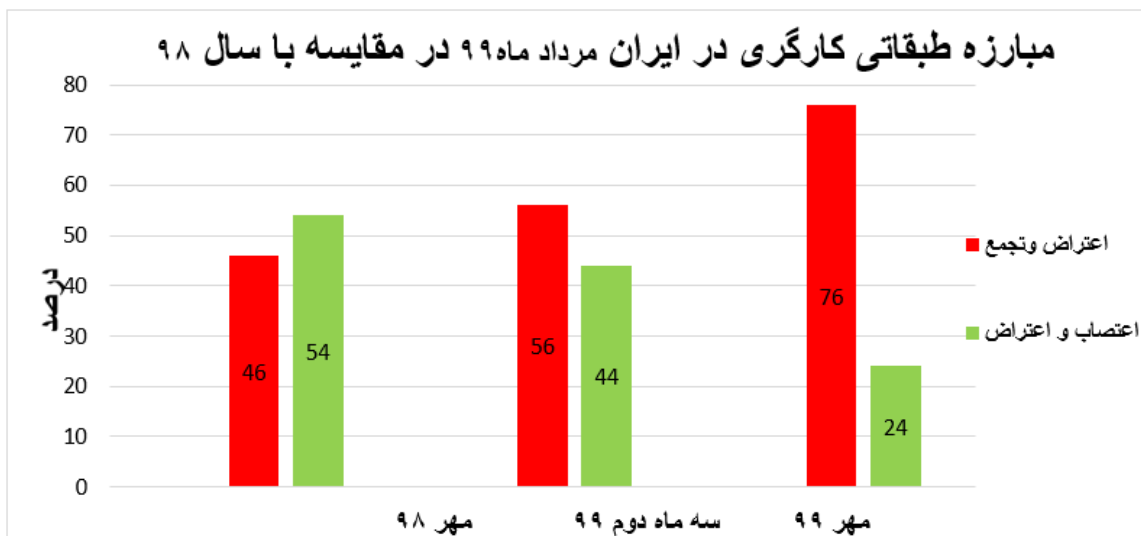
5 – نویسندگان اطلاعیه خیلی پرشور و تب آلود بر حمایت خود از خواستهای معلمان تأکید می ورزند. اجازه دهید این «حمایت» را کمی بشکافیم. این حمایت و جانبداری به رغم ظاهر فریبایش، یک تعبد سندیکالیستی برای شقه، شقه کردن جنبش کارگری و صنف، صنف نمودن کارگران، بستن سد بر سر راه سازمانیابی متحد شورائی و سراسری ضد بردگی مزدی توده وسیع کارگر است. معنای زمینی این حمایت آنست که کارگران لازم نیست یک قدرت متشکل سراسری ضد بردگی مزدی شوند، آنها یک طبقه اجتماعی ضد سرمایه نیستند و نباید باشند!!! مثنی فروشنده نیروی کار در این یا آن کارخانه اند، بردگانی که صاحبان معینی دارند، مالکانی که توسط رژیم حاکم هم حمایت می شوند. این فروشندگان نیروی کار پراکنده باید در همان چهاردیواری محیط کار، سندیکا سازند یا هر تشکل دیگری با هر نام اما با رسالت سندیکا پدید آرند. بر فراز این امامزاده با مالکان خود و دولت سرمایه چانه زنند، خواستار بهای نیروی کار برای ادامه بردگی مزدی مادام العمر شوند. در همان حال خواستار حمایت کارگران شاغل در چهاردیواری های دیگر گردند. فقط در چنین نگرشی است که کل رابطه میان توده های وسیع طبقه کارگر به حمایت این عده از آن عده محدود می شود. در غیر این صورت و هر گاه از حصار پوسیده سندیکالیسم خارج گردیم آنگاه نیاز مردم و سرکش ابراز وجود به صورت یک جنبش سراسری شورائی سازمان یافته طبقاتی است که ما را در خود کلافه می کند و آرامش را از ما سلب می نماید. جای تعجب نیست که کارگران هفت تپه دهه ها است در حال مبارزه اند. در طول این مبارزه به میدانداریهای پرشکوهی دست یازیده اند، اینجا و آنجا مرزهای رفرمیسم را شکسته اند و دست به صف آرائی رادیکال ضد سرمایه داری زده اند. در همه این مدت فریاد حمایتشان از دیگران و حمایت خواهی آنان از سایرین بلند بوده است اما هیچگاه، هیچ گام جدی برای همپیوندی، تشکل یابی واقعی سرمایه ستیز، شورائی و سراسری توده های طبقه خود بر نداشته اند.

کارگران ضد سرمایه داری مهر 1399

جنبش کارگری ایران در مهر سال ۱۳۹۹

شمار اعتراضات و اعتصابات از یک سو روزافزون است و از سوی دیگر غمبار و استیصال آمیز! کارگران مبارزه می کنند، فریاد اعتراض سر می دهند، می کوشند تا قدرتشان را ظاهر سازند، اما همه چیز حدیث تلخ فروماندگی، فرسودگی و تسلیم است. گرسنگی، وضعیت بد معیشتی و فجایعی که نظام سرمایه بر آنان تحمیل می کند، فریاد خشم و قهرشان را خروشان می سازد. اما همچنان در چهار دیواری کارخانه ها به دور خود می پیچند. از همبستگی طبقاتی هیچ خبری نیست، نه سراغ یکدیگر نمی روند، دست در دست هم نمی گذارند، به طبقه بودن و قدرت طبقه خود نمی اندیشند. کارگر بودن، استثمار شدن، برده مزدی بودن، گرسنگی، فلاکت و فقر را سرنوشت محتوم خود می بینند، برای به صف نمودن قدرت سازمان یافته، شورائی و طبقاتی خود علیه سرمایه گام بر نمی دارند، به همین دلیل شکست می خورند، به هیچ کجا نمی رسند، هیچ خواست خود را بر سرمایه داران و دولت سرمایه تحمیل نمی کنند. همین روند، افت مبارزات آنها را به دنبال داشته و این افت اینک تأسفبار است. اعتراضات این ماه (177 نسبت به ماه شهریور، 221) بیانگر این افت است. هر چند در قیاس با ماه مشابه سال پیش (116 اعتراض و اعتصاب) بیشتر است. اما آنچه غم انگیز است نه کمبود اعتراضات و اعتصابات، که موقعیت مستأصل، پراکنده و ناتوان جنبش کارگری است. اگر سال پیش همین موقع کارگران بسیاری واحدها علیه بازداشتها، بیکاری همکاران، زندانی شدن همزنجیران فریاد اعتراض

سر می دادند امروز همین را نیز نمی کنند. اگر جاده های مواصلاتی سرمایه را مسدود می کردند، امروز چنین نمی نمایند. اگر همصدا دست به اعتصاب می زدند امروز غرق یأس و تردیدند. رژیم سرمایه در محدود کردن مبارزات در چار دیواری واحدهای کار موفق بوده است. همان نسخه ای که سندیکاها و احزاب از دیرباز برای کارگران پیچیده و می پیچند. دستمزدهای واقعی هر روز کاهش می یابد، طوفان بیکارسازی در حال طغیان است. فقر و فلاکت و بی خانمانی بیداد می کند. این وضع قابل دوام نیست. باید کاری کرد. توسل به دولت و عمال سرمایه راه به هیچ کجا نمی برد، چشم به راه نقش بازی اپوزیسیون های فریبکار چپ و راست ماندن، ما را می فرساید و ضایع می گرداند. باید راه افتاد، دست به دست هم داد. یک قدرت نیرومند شورائی و سراسری ضد سرمایه داری شد. بیائید به جای عجز و لابه به درگاه سرمایه، شوراها را در همه جا از کارخانه تا محله و مدرسه برپا داریم، بیائید یک قدرت سازمان یافته طبقاتی گردیم، این قدرت را علیه سرمایه اعمال کنیم. با این قدرت خواستهای خویش را بر سرمایه داران و دولت آنها تحمیل نمائیم. بیائید وارد یک کارزار واقعی رادیکال طبقاتی گردیم. این ها همه امکان پذیر است. باید راه افتم.



ابراهیم پاینده آبان ۱۳۹۹

جنبش کارگری ایران در 48 ساعت اخیر

در فاصله میان جمعه 25 مهر تا امروز یکشنبه 27 همین ماه، موجی از اعتصاب، اعتراض، تظاهرات و شکل‌های متنوع مبارزه در کارخانه‌های مختلف ایران، در استانها و نواحی گوناگون کشور در حال خروش و طغیان بوده است. رانندگان مرکز بهداشت مهرستان در سیستان و بلوچستان، کارگران برخی از فازها و سکوهای عسلویه، صدها کارگر شرکت زمزم در تبریز، شمار کثیر کارگران راهسازی شاغل در پروژه احداث بزرگراه اهر - مشکین شهر، کارگران نیروگاه‌های پتروپالایش لامرد در پارس جنوبی، توده کارگر مورد استثمار شرکت پسماند در شهرداری بجنورد همراه با زنان، کودکان و تمامی اعضای خانواده، هزاران کارگر پالایشگاه پارسیان، دومین مرکز پالایش گاز کشور، کارگران مستغلات شهرک پردیس جم، جمعیت انبوه کارگران بیکار منطقه «کمر بند سبز» در شهرداری شهر اهواز، بعلاوه دهها هزار کارگر دیگر در سایر نواحی ایران دست از کار کشیده و خواستار تحقق مطالبات فوری خود شده اند.

خواسته‌های کارگران چه بوده؟ نیاز به گفتن نیست. همه جهانیان از بر هستند. اعتراض به تعویق چندین ماهه پرداخت دستمزدها، عصیان علیه بیکارسازیهای گسترده خانمان برانداز، اعتراض به فقدان هر گونه تضمین اشتغال، خشم و قهر علیه سطح نازل مزدها یا شرایط مرگبار کار، خطوط کلی نارضايتها و دستور کار همه مبارزات را تعیین کرده است. نتیجه اعتصابات، تحصنها، تشکیل اجتماعات چه بوده؟ این را نیز هرکسی می‌داند. هیچ اعتصابی نتیجه نداده است. هیچ اعتراضات دستاورد نداشته و پاسخ سرمایه داران به خواست‌های کارگران «مقدور نیست» و منفی قاطع بوده است!!! موضوعی که خاص این دو روز، دو دهه یا چند دهه نیست. زندگی نسل بعد از نسل توده کارگر مالا مال از آن است. بر همین اساس پرسش بعدی پیش می‌آید. در این صورت و با این توصیف چرا کارگران اعتصاب می‌کنند، دست به اعتراض می‌زنند و به زعم خویش مبارزه می‌نمایند؟ پاسخ این سؤال هم روشن است. فشار فقر، گرسنگی، آوارگی، گورخوابی، بیماری و بی‌درمانی آنها را مجبور به مبارزه می‌کند، راه دیگری نیست. به سراغ آخرین پرسش برویم. پرسشی که آتشفشان سردرگمی‌ها و پاسخ درستش پرتو پرفروغی بر راه‌های انسان است. سؤال این است. آیا واقعا کارگران ایران، دنیا، جنبش کارگری بین‌المللی سوای دور خود چرخیدن‌ها، اعتصابات پراکنده معطوف به حل و فصل زندگی فسیل وار کارگری، چانه زدن با صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری برای زنده ماندن به عنوان برده مزدی مادام‌العمر، تحمل شکست‌ها، سرکوب‌ها، چشم‌دوختن به منجیان موعود، آویختن به این یا آن حزب، این یا آن سندیکا، این یا آن نیروی بالای سر، سوای اینها راه دیگری وجود ندارد؟! آیا تاریخ به انتها رسیده و سفینه‌های استثمارشوندگان برای همیشه به گل نشسته است؟! جواب این سؤال مطلقاً آری نیست. تاریخ مبارزه برای تغییر ریشه‌ای اوضاع به سر نیامده است. آنچه دورانش برای همیشه پایان یافته راه‌های پوسیده شکست آمیز است. اعتصاب در چهاردیواری یک مرکز کار هیچ نتیجه‌ای نمی‌دهد. مبارزه برای مزد بیشتر، زندگی بهتر، کاهش نابرابریها همراه با قبول برده‌مزدی جاویدان ماندن، سوای شکست فاجعه‌بار هیچ حاصل دیگری ندارد، سرنگونی طلبی فاقد بار سرکش ضد سرمایه داری گرفتن شتاب برای افتادن از چاله به چاه است، پشت سر این و آن حزب یا سندیکا صف بستن، کفن و دفن کامل قدرت بیکار طبقاتی خود، اعطای فرصت ماندگاری جاویدان به سرمایه داری و لاجرم استقبال از وخامت هر چه ژرف‌تر وضعیت موجود است. کل اینها رفرمیسم منحط راست یا چپ است. باید میدان مبارزه را عوض نمود. برای تحمیل هر خواست خویش بر طبقه سرمایه دار و دولت‌ش نیازمند قدرت هستیم. این قدرت را فقط در سازمانیابی سراسری شورائی خود علیه سرمایه می‌توانیم متجلی سازیم. باید یک قدرت متشکل شورائی سراسری ضد بردگی مزدی شویم. هیچ راه دیگری وجود ندارد. مرزهای مراکز کار را در هم کوبیم، دست در دست هم گذاریم، به صورت یک طبقه متحد گردیم،

با قدرت طبقاتی سراسری شورائی خویش وارد میدان مصاف علیه سرمایه شویم. کل خواست های خود را با این قدرت بر سرمایه داران و دولت آنها تحمیل کنیم. هدف جنگ را تسلط کامل بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود اعلام داریم. در درون این میدان به جنگ علیه اساس ستم جنسیتی، گرسنگی، سلب آزادی، بی حقوقی، بی داروئی، علیه همه اشکال ستم و جنایات سرمایه، علیه موجودیت سرمایه داری برخیزیم. این راه مسلما دشوار است اما تنها راه است. همه راههای دیگر به گورستانند. تمامی اشکال مبارزه موجود محکوم به شکست، فرساینده و تباه کننده اند. باید به ریل مبارزه طبقاتی ضد کار مزدی برگردیم.

کارگران ضد سرمایه داری مهر 1399

شجریان، بت آفرینی بورژوازی، شستشوی مغزی کارگران

هر شیوه تولید اجتماعی، افکار، سیاست، جامعه شناسی، هنر، ادبیات و ارزشهای اجتماعی پاسدار خود را می زاید، آنها را اندیشه، فرهنگ، ایدئولوژی طبقه مسلط می نماید و بر طبقات دیگر دیکته می کند. در هر عصر طبقه استثمار شونده و فرودست نیز در پویه پیکار خود علیه مناسبات حاکم، افکار، سیاست، ادبیات، هنر، ملاکهای انسانی خود را می آفریند، وارد میدان می کند و سلاح کارزار می سازد، اینکه در این گذر تا کجا پیش رود؟ به عنوان مثال شعر، رمان، موسیقی، آواز و ادبیاتش رادیکال شود، غنای شفاف طبقاتی یابد یا به همان فرارسته های ایدئولوژیک مسلط آویزد چیزی است که به درجه انکشاف و ژرفش مبارزه طبقاتی او مربوط می گردد. نکته ای که موضوع گفتگوی ما نیست، بحث بر سر کارکرد بورژوازی در عالم سیاست، اندیشه، فرهنگ، هنر و این گونه مسائل است. طبقه سرمایه دار به همان سیاق که جامعه شناسی، سیاست، قانون، حقوق، مدنیت، دموکراسی و همه نهادهای اجتماعی را پاسدار چرخه ارزش افزائی سرمایه و تشدید استثمار کارگر می کند، به اندیشه، هنر، شعر، موسیقی، ادبیات و فرآورده های فکری دیگر نیز همین نقش را می دهد. از یاد نبریم که بورژوازی به رغم همگنی و اتحاد ارگانیک در مقابل توده کارگر در درون خود بر سر چگونگی تقسیم سهام مالکیت، قدرت و حاکمیت، اسیر جدال جنگ افروزانه است. در همین راستا هر بخش آن برای تسلیحات فکری، سیاسی، هنری، ادبی خود نسخه پیچی ویژه اش را دارد. کار دیگری که بورژوازی می کند، قفل نمودن افکار، ایده ها، نظریه ها، هنر و ابداعات خود به افراد خاص یا شخصیت آفرینی، بت تراشی و رواج کیش شخصیت است. بورژوازی با این کار بدترین شکل شستشوی مغزی را تدارک می بیند و به سلاخی شعور آدمها می پردازد. نمایندگان سیاست، فکر، نظریه، هنر، موسیقی، آهنگ یا هر چیز دیگر خود را بت می کند، امامزاده می نماید و توده کارگر را به تکریم آنها می خواند. این کار را توطئه گرانه، مافیائی، بوروکراتیک انجام نمی دهد، ارگانیک و خودپو از درون پوشیده ترین، رمز آمیزترین، نامحسوس ترین مجاری میان تولید مادی و فکری دنبال می کند و به بار می نشاند. شیوه تولید مسلط هر عصر ساز و برگهای لازم برای پمپاژ فرا رسته های فکری، سیاسی، ادبی، هنری، اخلاقی خود، به فضای عام شکل گیری و پرورش باورها را دارا است و رویکرد بت آفرینی را هم از همین مجاری پی می گیرد. محمدرضا شجریان نماینده هنری، هنرمند، موسیقی دادن و خواننده لایه معینی از بورژوازی ایران بود، این بخش از بورژوازی او را بت کرد و در دوره های مختلف متناسب با نیازهایش، امامزاده «محبوب القلوب» ساخت!! بحث بر سر نفی کارائی سرشار تارهای صوتی وی در تولید آواز نیست، او در این گذر استعداد ویژه خود را داشت، کسی منکر خلاقیت های وی در آوازخوانی و مهارتش در موسیقی نیست، آنچه این روزها شاهد بودیم ربطی به بازگوئی استعدادها و توانائی ها نداشت. از شجریان چهره ای به نمایش نهادند که گویا پرچمدار حقوق انسان، مشعلدار آزادیخواهی بشر،

نویسنده منشور رهائی نفرین شدگان ایرانی! معترض علیه جنایات، آزادی کشی ها و سلاخی توده فرودست بوده است!!! این در زمره بدترین دروغها و گزافه بافیها است. چیزی که از سرشت سرمایه و طبیعت بورژوازی بر می خیزد. کارنامه شجریان خلاف این است. او خواننده رادیو - تلویزیون رژیم درنده شاهنشاهی سرمایه بود، در جشن هنر شیراز در دهه 50 آواز خواند. جشنی که سالها با برنامه ریزی دربار پهلوی برگزار می شد تا ناسیونالیسم ضد بشری بورژوازی و استخوانهای پوسیده برده داران هخامنشی را زرادخانه تهاجم روز سرمایه علیه توده کارگر ایران کند. با شکست جنبش کارگری ایران در سال 57 و عروج فاشیسم اسلامی بورژوازی، به همکاری با شبکه اختاپوسی صدا و سیمای جمهوری اسلامی پرداخت. حاکمان جدید دینی سرمایه او را «بلال حبشی» خود و مروج سموم ایدئولوژیک اسلامی سرمایه نمودند. شجریان در 1368 بعد از قتل عام 7 هزار شریف ترین، مبارزترین و استوارترین انسانهای زندانی، در شرایطی که دولت اسلامی بورژوازی برای هموارسازی راه ورود سرمایه های خارجی نیازمند سردادن عربده ثبات بود، سفیر هنری دولت درنده رفسنجانی شد. او را راهی خارج کردند تا به دولتها و صاحبان سرمایه بگویند که کشتارها دروغ است، ایران جزیره آزادی است و هنرمندانش از آزادی برای فعالیت های هنری برخوردارند!!! محمدرضا شجریان از آن تاریخ به بعد همواره در نقش یک سلول زنده اصلاح طلبی ارتجاعی بخشی از بورژوازی ایفای نقش کرد. چهره هنری اپوزیسیون نمائی اصلاح طلبانه یکی از فریبکارترین بخش طبقه سرمایه دار شد. همان بخشی که نیروی سلسله جنبان شکل گیری و ظهور فاشیسم دینی سرمایه در سال 57 بود و چند سال این طرف تر در پاسخ به الزامات ماندگاری حاکمیت سرمایه و جمهوری اسلامی علم و کتل اصلاحات پهن کرد و با توحش تمام به جان جنبش کارگری افتاد. شجریان در سال 88 صدای این جناح بورژوازی و اپوزیسیون نمائی او در مقابل مافیای مسلط رژیم اسلامی گردید. صدای این طیف طبقه سرمایه دار در جدال با رقیبان بر سر سهام سود، مالکیت، قدرت و حاکمیت شد. او هیچ گاه، در هیچ شرایطی به هیچ کدام از هولوکاست آفرینی های رژیم علیه توده کارگر اعتراض نکرد، هیچ اعتراضی به هیچ سببیت رژیم علیه کارگران ننمود. در هیچ کجا هیچ کلمه ای علیه گرسنگی، فلاکت، بی دارویی، بی خانمائی مولود سرمایه و آوار بر سر کارگران به زبان نیاورد. او نه فقط این کارها را نکرد - که چنین انتظاری از وی نبود - بدترین نقش را در گمراه ساختن افکار توده کارگر و کفن و دفن اعتراضات آنان در اپوزیسیون نمائی منحنط اصلاح طلبانه بورژوازی بازی نمود. لشکرکشی سراسری جناح های مختلف طبقه سرمایه دار برای بزرگداشت شجریان در روزهای اخیر ارج و عزتی است که این طبقه برای همین خدمتگزاری به او می پردازد. بی دلیل نیست که فرح، رضا پهلوی و اطاق فکر نشینان سابق ساواک شاهنشاهی مانند عباس میلانی، به همان اندازه در ستایش وی سخن راندند که سید محمد خاتمی، حسن روحانی، حسن خمینی، مجتبی خامنه ای، علی لاریجانی، محمود دولت آبادی و سایرین به بیان کراماتش پرداختند. در این میان یک چیز اما جای سؤال دارد!! جمعیت چشمگیری از کارگران به ویژه درس خوانده های طبقه کارگر چه بسا بیش از بورژوازی برای شرکت در بزرگداشتش سر و دست شکستند!!، انسان که حتی تمامی مخاطرات ابتلا به کووید 19 را نیز مشتاقانه به جان خریدند. پرسش این است: چرا این فعالان کارگری و درس خوانده های کارگر راه اپوزیسیون نمائی خود را به سوی جنبش زمینگیر و فرومانده طبقه خود کج نمی کنند؟؟، اگر خیلی اهل اعتراضند!!! چرا به پویه پیکار و اعتراض طبقه خود نمی آویزند؟؟!!

رژیم اسلامی سرمایه و قتل عام کارگران درمان (متن تکمیلی 17)

طوفان ویرانگر بحران سرمایه داری، اپیدمی مرگ آور کووید 19 مولود نکبت، ادبار و برهوت آفرینی سرمایه، عدم دسترسی کارگران به حداقل امکانات درمانی و حفاظتی برای مقابله با هجوم این بیماری مهلک، ابتلای چندین میلیونی و مرگ و میر چند صد هزار نفری همراه با دنیای فقر، فلاکت، آوارگی، بی بهداشتی و بدبختی حاصل استیلا سرمایه داری، همه و همه به صورت کوه آسا بر زندگی کل توده های کارگر دنیا آوار است. در این میان وضعیت توده کارگر ایران از غالب مناطق جهان رعب انگیزتر، فاجعه بارتر و خرد کننده تر است. اینجا هر نفس کشیدن اعتراضی کارگران هم توسط فاشیسم اسلامی آماج حمام خون است، هیچ نوعی امکاناتی در اختیار کارگران برای حفظ جان خود از خطر بیماری موجود نیست. کل کارگران از خردسال تا لب گور مجبورند برای امرار معاش روزانه، برای تأمین هزینه درمان و دارو، برای سیر تا پیاز «زندگی» به کار در هر شرایطی حتی در میان طوفان تاخت و تاز کووید 19 تن به کار شاق دهند و خطر مرگ را به جان خرند. در چنین وضعی کارگران بخش درمان از همان آغاز با اراده ای استوار، عزمی راسخ، عظیم ترین فداکاری ها، تحقیر مرگ و تکریم شرف انسانی به پا خاستند تا در میان آتش و خون آفریده سببیت ها و جنایت آفرینی های سرمایه داری و فاشیسم اسلامی سرمایه، از جان همزنجیران خویش دفاع کنند. آن ها در این گذر دست به پرشکوه ترین ایثارگری ها زدند، از جان خویش گذشتند تا پاسدار جان انسان ها باشند. کشته ها دادند تا دیگران را از مرگ برهانند. شمار واقعی جان باختگان این بخش طبقه کارگر مسلما از هزار افزون است. آنچه ما در اینجا در شانزدهمین متن تکمیلی آمار کشتگان (بین سوم مهر تا پنجم آبان) می آوریم صرفا در برگیرنده نامهایی است که توانسته ایم از تاریکی زار ملامال از سانسور، خفقان، کنترل، بریدن زبان ها، شکستن قلم ها و دوختن دهن ها بیرون آریم.

| | | | |
|-----|---|-----|---|
| 347 | سعید حسین زاده پرستار جوان بیمارستان اردبیل | 348 | فهیمه برین کار پرستار بیمارستان تبریز |
| 349 | زهرا رگبار پرستار بیمارستان بوشهر | 350 | سپیده سپیدنامه پرستار بیمارستان دانشگاه تهران |
| 351 | علی محمد امامی آنستروولوژیست تهران | 352 | مینا برخورداری پرستار 28 ساله بیمارستان کرج |
| 353 | فرشته زرگر پزشک جوان بیمارستان تهران | 354 | ابوالفضل محمد عزیز جراح مغز |
| 355 | اسماعیل مهاجرانی پزشک عمومی تهران | 356 | سعید شفاعت رادیولوژیست بیمارستان شیراز |
| 357 | سحر شاهمرادی پرستار 28 ساله بیمارستان کرمان | 358 | میلاد ایران نژاد اورژانس بهداری قره آغاچ |
| 359 | وحید نیک سرشت متخصص قلب بیمارستان رشت | 360 | علی اکبر تاجریان پزشک عمومی بیمارستان تهران |
| 361 | حسن ویشه رادیولوژیست بیمارستان ابن سینا | 362 | فریدون زارع خفزی پزشک بهداری شیراز |
| 363 | ولی الله حسنی متخصص بیهوشی علوم پزشکی | 364 | محمد رضا عزیزی کارشناس بهداشت کرمانشاه |
| 365 | مریم شرف خواه پرستار بیمارستان قزوین | 366 | عبدالله عسکری پزشک بیمارستان اهواز |
| 367 | سمیه خیراللهی مامای بهداری بیرانشهر لرستان | 368 | بابک زرنانی پزشک عمومی بهداری کرج |
| 369 | امیر جوادادگان رزیدنت جوان تهران | 370 | مهناز صالحی پرستار بیمارستان تهران |
| 371 | اعظم نجفی فرد بهار بیمارستان کامکار قم | 372 | عبدالرضا ویسی بهورز خانه بهداشت روانسر |

| | | | |
|-----|---|-----|---|
| 373 | ماسیس میکائیلیان پزشک بیمارستان مشهد | 374 | محمد رضا عابدی کادر درمان بیمارستان اصفهان |
| 375 | معین طباطبائی پزشک جوان بیمارستان ارومیه | 376 | محمد فقیهی متخصص جراحی علوم پزشکی |
| 377 | حیدر ابری کارشناس بهداشت قم | 378 | محمود فضل الهی کادر فنی بیمارستان سرخه حصار |
| 379 | غلامحسین حسینی متخصص بیهوشی بیمارستان آباده | 380 | محبوبه خداوردی پرستار جوان بیمارستان تهران |
| 381 | رضا باباخانی بهیار بیمارستان مرند | 382 | متین بحری کادر جوان اورژانس شاهرود |
| 383 | صالح عرفانی فام متخصص طب توانبخشی مراغه | 384 | علی برجیس پرستار جوان بیمارستان اصفهان |
| 385 | خدابخش رئیسی کادر درمان بیمارستان سراوان | 386 | ولی نژاد اسد بهورز 36 ساله بیمارستان سلماس |
| 387 | شاکر صباح متخصص عفونی بیمارستان شهر ری | 388 | فرهنگ فلاحدوست رادیولوژیست بیمارستان پاکدشت |
| 389 | حبیب ذاکریان رادیولوژیست بیمارستان شاهرود | 390 | نیلوفر نظری پرستار بیمارستان فیاض بخش |
| 391 | زاهد صفی خانی استاد آناتومی دانشگاه اصفهان | 392 | منصوره حسینی بهورز بهداری خراسان جنوبی |
| 393 | محمد رضا میرزا آقایی اورژانس دماوند | 394 | مجید عادلی پزشک عمومی مرکز بهداشت ارومیه |
| 395 | روح الله شاه محمدی داروساز ارومیه | 396 | محمد رضا رزمی پرستار بیمارستان بوشهر |
| 397 | هانیه سلجوقی پرستار 24 ساله کرمان | 398 | حسن میانه ساز بهیار بیمارستان قزوین |
| 399 | مریم صوفی علوم آزمایشگاهی ارومیه | 400 | زهره کمالی نژاد مامای مرکز بهداشت تهران |
| 401 | فرحناز چاووشی پرستار بیمارستان قلب تهران | 402 | پروین کیوان پرستار بیمارستان دزفول |
| 403 | حسین چیذری متخصص بیهوشی بیمارستان تهران | 404 | فردوس عزیزالهی تکنیسین مرکز جراحی تهران |

اخبار و گزارشات مربوط به پاندمی کرونا در ایران و جهان :

6 مهر، معاون وزیر بهداشت گفت: در ۷ ماهه گذشته تعداد مبتلایان به کرونا از دانش آموزان بالای ۱۰ هزار نفر بوده است که حدود ۲۰۰ نفر آنان جان باخته‌اند. مدیر عامل سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت رژیم سرمایه روز یکشنبه ششم مهر تأیید کرده که «حداقل ۴۰۰ کارگر صنعت نفت به دلیل ابتلا به کرونا جانشان را از دست داده‌اند. شمار مبتلایان هم ۴ هزار و ۱۰۰ نفر بوده است»

9 مهر، به گفته مدیر آموزش و پرورش خراسان رضوی، تا کنون در این استان ۲۳۲ دانش‌آموز و ۲۴۴ معلم به کرونا مبتلا شده‌اند، ۲۱ نفر از کادر آموزشی و ۵ دانش‌آموز نیز جان خود را از دست داده‌اند.

9 مهر، مینو محرز، عضو کمیته علمی ستاد مقابله با کرونا اعلام کرد «سازمان جهانی بهداشت آمار شما را زمانی قبول می‌کند که پی‌سی‌آر مثبت داشته باشید. مثبت کاذب کم است، اما ۳۰ تا ۴۰ درصد تست‌ها منفی کاذب هستند، به همین دلیل ۳۰ تا ۴۰ درصد از بیمارهایمان گزارش نمی‌شوند.» این خبر بدین معنی است که رژیم اسلامی سرمایه با برنامه ریزی های گوناگون تعداد مبتلایان به کووید 19 را کم نشان می دهد. همین رژیمی که ایام محرم را برپا کرد تا هر چه بیشتر و سبعمانه تر و بدون کوچکترین درد سری توده های کارگر کشتار شوند!

12 مهر، کرونا تمام پرسنل داروخانه بیمارستان امام رضا ارومیه را مبتلا کرد و این واحد خدماتی را به تعطیلی کشاند.

13 مهر، رییس دانشگاه علوم پزشکی ایلام اعلام کرد: "از ۱۵ شهریورماه تا ۱۲ مهرماه ۵۸ معلم و ۵۱ دانش آموز در این استان به کرونا مبتلا شدند".

15 مهر، مدیر آموزش و پرورش خراسان شمالی گفت: "بر اساس اعلام دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی استان، از نیمه شهریورماه تا کنون، ۱۰۳ نفر از معلمان و ۸۰ نفر از دانش آموزان گرفتار بیماری کووید ۱۹ شده اند".

20 مهر، رئیس هیأت مدیره نظام پرستاری تهران اذعان کرد: تا امروز نزدیک ۲۰ هزار پرستار به بیماری کرونا مبتلا شدند.

22 مهر، زالی مدیر ستاد کرونا تهران می‌گوید تا کنون در تهران ۲۰۰ نفر از کادر درمان که به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شدند جان خود را از دست داده‌اند. محمد طالب‌پور، رئیس بیمارستان سینا هم می‌گوید از کارکنان این بیمارستان که حدود ۱۲۰۰ نفر هستند تا کنون حدود یک سوم، یعنی ۴۰۰ نفر به کرونا مبتلا شده‌اند.

حسین بدخشان، مدیر بیمارستان مدرس تهران نیز از ابتدای ۲۲۰ نفر از کارکنان این بیمارستان به کرونا خبر داده و می‌گوید از ابتدای مهرماه و شروع موج سوم شیوع کرونا آمار مراجعه و بستری بیماران کرونایی در بیمارستان "به صورت ناگهانی و تصاعدی" افزایش یافته است.

23 مهر، معاون وزیر بهداشت سرمایه در ایران گفت «آمار فوت شدگان بر اثر کرونا را باید 2 برابر حساب کرد یعنی این روزها هر روز 10 هزار مبتلای جدید و 600 فوتی داریم».

28 مهر، معاون نظام پرستاری سرمایه گفت: اکنون حدود ۶ هزار پرستار به علت ابتلا به بیماری کووید ۱۹ در مرخصی استعلاجی به سر می‌برند.

29 مهر، مسعود مردانی، متخصص بیماری‌های عفونی و عضو ستاد ملی کرونا، می‌گوید رقم واقعی جان‌باختگان دیروز کرونا، بیش از ۸۴۲ نفر بوده، نه ۳۳۷ نفر.

3 آبان نیوزویک: پزشکان ایران رژیم ایران را مسبب فاجعه کرونا در ایران می‌دانند آمار واقعی مرگ و میر روزانه می‌تواند تا پنج برابر آمار رسمی باشد.

3 آبان، گزارشگر کانال یک تلویزیون آلمان ماجرای کرونا در ایران را حکایت ناکارآمدی، ناکامی و پنهانکاری ارزیابی می‌کند. در روزهای اخیر برخی مسئولان ارشد ملی مقابله به کرونا گفته‌اند آمار رسمی بیانگر واقعیت اپیدمی در ایران نیست و تعداد فوتی‌ها دو و نیم برابر ارقام اعلام شده و شمار مبتلایان دست‌کم دو برابر است. بر این اساس تعداد واقعی قربانیان در روزهای اخیر باید بسیار فراتر از ۸۰۰ نفر و تعداد مبتلایان بیش از ۱۱ هزار نفر در روز باشد.

3 آبان، پرستاری در بیمارستان می‌نویسد: حالم آنقدر بد بود که بهم سرم زدند و کنار شופاژ درازم کردند چون هیچ تختی خالی نبود، اما هنوز سرم تموم نشده بود یک بیمار آوردند و مجبور شدم دوباره پاشم و بعد از رسیدگی پیام دوباره همین گوشه دراز بکشم، حالم بد است.» بیش از دوهزار بستری جدید در روز، نزدیک پنج هزار بیمار با حال وخیم، روزانه 70 تا 130 نفر از کادر درمان فقط در بیمارستانهای تهران به مرخصی استعلاجی کرونا می‌روند و فشار کار بر روی سایر همکاران مضاعف تر و بیشتر می‌شه!

روز شنبه ۳ آبان ماه ۹۹، دکتر رضا ملک‌زاده معاون فناوری و تحقیقات وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در برنامه‌ای در شبکه دو تلویزیون، از احتمال ابتلای ۵۰ میلیون نفر به کرونا خبر داد.

4 آبان، حسین قشلاقی عضو شورای عالی نظام پزشکی می‌گوید: بر اساس گزارش‌های میدانی کادر درمان و همچنین با بررسی آمار دفن شدگان، می‌توان گفت میزان مرگ و میر کرونا در کشور حدود ۳ تا ۴ برابر آمار رسمی است.

5 آبان، حسین قشلاقی عضو شورای عالی نظام پزشکی رژیم سرمایه می گوید: شرایط کنونی از مدتها قبل از سوی کارشناسان پیش‌بینی شده و هشدارهای لازم داده شده بود. میزان مرگ و میر واقعی قابل کتمان نیست و وزارت بهداشت صرفاً مواردی را که تست مثبت دارند در آمار فوت‌شدگان محسوب می‌کند... بر اساس گزارشهای میدانی کادر درمان و همچنین با بررسی آمار دفن شدگان، می‌توان گفت میزان مرگ و میر کرونا در کشور حدود ۳ تا ۴ برابر آمار رسمی است.

5 آبان، پرستاری می نویسد: نهیب مرگ هر همکاری که می میرد، داغ سنگینی بر دل سایر همکاران می گذارد، تا چند مدت جو سنگینی بر محیط آن بخش حکمفرماست و در کنار این اندوه بزرگ، دلشوره ی غریبی نیز تا مدتها روح و روان همکاران آن بخش را تسخیر می کند! وقتی یکی از همکارانمان جلوی چشمان پرپر می شود و کاری از کسی ساخته نیست، وقتی خبر فوت یکی از همکارانمان را می شنویم، ذهن ناخودآگاهمان شروع به مقایسه می کند: او همسن من بود، هم رشته ی من بود، همان کاری را می کرد که من هرروز دارم انجام می دهم، از همان راهی مبتلا شد که هرروز پیش پای ناگزیر من است، از همان تجهیزاتی استفاده می کرد که به من هم می دهند، با همان بیماری سروکار داشت که من دارم! چطور خودم را قانع کنم که قربانی بعدی من نیستم؟ چه راه گریزی، چه چاره ای مانده که او به کار نیست تا من با آن خودم را نجات دهم؟

اعتراضات کارکنان درمان :

کادر پرستاری بیمارستان روحانی بابل در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان روز 6 و 7 مهر با حضور در محوطه بیمارستان دست به اعتراض زدند.

پرستاران مراکز درمانی دولتی اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و عدم امنیت شغلی شان روز 13 مهر مقابل در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

پرستاران، کارکنان شرکتی و دولتی مراکز درمانی و بهداشتی در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت شغلی، نپرداختن دستمزدها، و سطح نازل دستمزدها روز 13 و 14 مهر دست به تجمع مقابل مجلس و سازمان برنامه زدند.

14 مهر، جمعی از بهیاران سلامت طرح پزشکی خانواده، کادر درمانی شرکتی و بیمه روستایی در ایرانشهر نسبت به عدم پرداخت 3 ماه دستمزد خود دست به تجمع زدند.

19 مهر، تجمع اعتراضی کادر درمان شرکتی اهواز در اعتراض به کاهش و عدم پرداخت دستمزد ها در برابر دانشگاه علوم پزشکی.

20 مهر، کارکنان بیمه روستایی و راننده‌های استیجاری مرکز بهداشت شهرستان بمپور، واقع در استان سیستان و بلوچستان، در اعتراض به عدم پرداخت 5 ماه دستمزد خود دست به تجمع زدند.

20 مهر، کارکنان و پرستاران شرکت آوا سلامت نسبت به کاهش دستمزد های خود مقابل دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز دست به تجمع زدند. حاضرین در تجمع می گویند، از اول شهریورماه مبلغ پانصد هزارتومان تا هفتصد هزارتومان از دستمزدشان به دلایل نامعلوم کسر گردیده است.

21 مهر، پرستاران بیمارستان امام علی در کرج در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود دست به تجمع زدند.

24 مهر، رانندگان استیجاری مرکز بهداشت شهرستان مهرستان در استان سیستان و بلوچستان، نسبت به عدم پرداخت 5 ماه دستمزدشان در این روز و هم چنین جمعه 25 مهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران ضد سرمایه داری

کارگران، مرگ ناشی از گرسنگی و کرونا

آنچه این روزها در خیابان‌ها و پاره‌ای از پارک‌های جمهوری اسلامی سرمایه‌داری ایران، در تهران، مراکز استانها، شهرهای بزرگ، حتی روستاها می‌بینیم، یادآور سال‌های پایان جنگ جهانی دوم سرمایه‌داری، در فاصله 1315 تا 1325 خورشیدی و روزهای پایان دیکتاتوری هار رضاخانی سرمایه‌داری است. در آن روزها خیابان‌ها، جاده‌ها و محلات نمایشگاه انبوه جنازه‌های مردگان ناشی از گرسنگی، فلاکت، بی‌دارویی و بیماری بود. امروز نیز کم‌یا بیش همین گونه است. همه شواهد حاکی است که آمار واقعی جانباختگان کرونا از چند برابر ارقام دولتی افزون‌تر است اما شمار کارگرانی که هر روز در پهنشدت گرسنگی زای سرمایه‌داری ایران، در آتش فقر، بی‌غذایی و بی‌دارویی می‌سوزند و جان می‌بازند بسیار بیشتر از مردگان روزانه کرونا است. آنچه هر روز رخ می‌دهد و مدام تشدید می‌گردد، قابل‌توصیف نیست. در سال جاری شمار کارگران بیکار چندین میلیون افزایش یافته است. در پاره‌ای مراکز کار، تعداد شاغلان به نصف رسیده و یا حتی کمتر گردیده است. کارگاههای زیادی به طور کامل تعطیل و کارگران آنها بیکارند، خیل کثیری از رانندگان تاکسی کارشان را از دست داده و به صف بیکاران ملحق شده‌اند، جمعیت انبوهی از توده کارگر که زیر فشار تنگدستی، به عنوان کار دوم یا سوم، با وسایط نقلیه کار می‌کردند، امکان ادامه این کار را ندارند. شمار دست‌فروشان کنار خیابانها، میدانها و جاده‌ها به نصف رسیده است، بیکاری و بیکارسازی با سهمگین‌ترین شتاب، در عظیم‌ترین ابعاد گسترش یافته و همچنان در حال افزایش است. کل چندین میلیون کارگری که در این چند ماه کار خویش را از دست داده‌اند، بعلاوه میلیون‌ها کارگر بیکار پیشین همراه با دهها میلیون افراد خانواده خود، اکنون یک جمعیت چندین ده میلیونی گرسنه، مفلوک، بیخانمان، محروم از خورد و خوراک و پوشاک و سرپناه را تشکیل می‌دهند. جمعیتی که فوج، فوج زیر تازیانه گرسنگی می‌میرند، آواره و بی‌خانمان در گوشه خیابانها، حاشیه گورستانها و کنار پارکها جان می‌سپارند. توده کارگر نفرین شده دوزخ نشینی که حتی حاکمان درنده و قتل‌عام پرور اسلامی سرمایه‌داری نیز شمار آنها را گاه بالاتر از 40 میلیون و اخیراً بیشتر از 50 میلیون اعلام می‌کنند.

مرگ و میر روزافزون کارگران با سونامی بی‌غذایی، فلاکت و بی‌سرپناهی مولود سرمایه‌داری، طغیان‌آمیز است اما کرونا، ارمغان نظام بردگی مزدی نیز در درو نمودن جان توده‌های کارگر از سونامی گرسنگی و فقر عقب‌نمانده است. شمار کارگران مبتلا به کووید 19 غیر قابل‌احصاء است، عظیم‌ترین درصد مبتلایان، فاقد کمترین امکانات دارو و درمان و لاجرم محکوم به مردن می‌باشند. بیمارستانهای تحت مالکیت دولتی سرمایه‌داری با اعلام تکمیل ظرفیت، هیچ کارگر بیمار کرونا را نمی‌پذیرند، بیمارستانهای خصوصی سرمایه‌داران برای پذیرش هر مریض کووید 19 بیش از 12 میلیون تومان هزینه ورودی می‌خواهند. رقمی که هیچ کارگری قادر به تهیه آن نمی‌باشد و بر همین اساس راهی سوی قبول مرگ ندارد. در بسیاری از بیمارستانها حتی بیماران رو به احتضار را راه نمی‌دهند. در درب ورودی این مراکز، اکسیژن خون مریض را نگاه می‌کنند و بیمارانی را که اکسیژن خونشان از 60 میلی‌متر جیوه بالاتر باشد، حتی در وضعیت مهلک، به دستور حاکمان سرمایه‌داری بیمارستان بیرون می‌رانند. این بیماران به خانه بر می‌گردند – اگر خانه‌ای داشته باشند – تا در کنج تیره کومه مسکونی کنار سایر بیماران خویشتاوند جان بسپارند.

کل این فاجعه‌های وحشت‌برانگیز ضد انسانی در نقطه‌ای از جهنم گند و دهشت سرمایه‌داری جهانی رخ می‌دهد که نام جغرافیائی آن ایران است. دولتش یکی از درنده‌ترین دولت‌های تاریخ بردگی مزدی است، سرمایه‌های تلنبار و برهم‌انباشت شده وحوش سرمایه‌داری سر به کپکشانها سائیده است. نرخ استثمار کارگرانش بالای 1200 درصد است.

طول و عرض زندانهایش به وسعت سراسر جامعه، اقلام ارتشاء سرمایه داران، دولتمردان، قضات، ولایت فقیه و مراجع شرعش مزید بر سرمایه های کهکشانی بی مرزی که از استثمار کارگران بر هم انباشته اند، چندین تریلیون تومانی است. همه اینها اما یک روی سکه است. کل بربریتها، جنایت ها، فقر آفرینی ها، گرسنه سازیها، کشتارها و از گرسنگی و بی دارویی مردنها در جایی رخ می دهد که کارگزارش هر سال چندین هزار اعتصاب راه می اندازند. چندین هزار اعتراض برپای می کنند، به شورش دی روی می آرند، قیام خونبار آبان را تدارک می ببینند، همه این کارها را انجام می دهند، اما حتی قادر به حصول مزدهای چند ماه و چند ده ماه، عقب افتاده خود نمی شوند. کارگزارش سالیان متمادی است که چنین می کنند و هیچ نتیجه ای نمی گیرند، شجاعانه می جنگند، حماسی مرگ را تحقیر می کنند، شکنجه ها را پذیرا می گردند، به زندانهای طولانی تن می دهند، اما یک چیز را اصلا انجام نمی دهند و بر سر انجام آن نیز قرار نمی گیرند، تا لحظه حاضر قرار نگرفته اند. آنچه نکرده و تا امروز آماده انجامش نشده اند، کالبدشکافی شکست ها و شکست خوردنها است. کالبدشکافی جنگیدن ها و مغلوب گردیدنها است. کالبدشکافی اشتباهات و گمراهه رفتن ها است، کالبدشکافی پیکارها و بی نتیجه ماندنها است، کالبدشکافی کجراه رفتن ها و به دور خود چرخیدن ها است.

جنبش کارگری ایران تا امروز حاضر به این کالبدشکافی و تدارک این درس آموزی نگردیده است. صرفا به همین دلیل هر روز بیش از روز پیش فرسوده، زمینگیر، مستأصل می گردد. هر لحظه از لحظه قبل مایوس تر می شود و در این وانفسا، در این تاریکی زار اگر هم صدها طغیان دی و خیزش آبان راه اندازد، نه آگاهانه، نه نقشه مند، و افق دار که شکست آمیز، یأس آلود و باری به هر جهت خواهد بود. مادام که جنبش کارگری ایران راه این کالبدشکافی ریشه ای و درس آموزی رادیکال طبقاتی را پیش نگیرد به همین کارکردهای علیل، رفرمیستی و شکست آور خود ادامه خواهد داد، آلت دست کثیف ترین اپوزیسیونهای فرصت طلب چپ و راست خواهد شد، تحت تأثیر این کرکسان مزور ویرانه نشین قدرت جوی راه چاره را در رژیم ستیزی توخالی فراطبقاتی، ساقط کردن یک رژیم، آوردن رژیم دیگر، از چاله به چاه غلطیدن خواهد دید. به اعتصاب شکست آمیز بی تأثیر در چهاردیواری محل کار ادامه خواهد داد. استغاثه سندیکاسازی راه خواهد انداخت، پیاده نظام کور، ذلیل و عبید این و آن حزب خواهد شد، کل فاجعه ها، رسوائیها و شکست هایی را تحمل خواهد کرد که از شروع قرن بیستم تا حال تحمل کرده است و نتیجه آنها وضعیت تیره و تار موجودش است.

جنبش کارگری اگر دست به این کالبدشکافی بزند، صریح و شفاف در خواهد یافت که دو راه بیشتر در پیش روی ندارد. راه نخست، راه خروج ریشه ای از گمراهه رفتن های شکست آلود قرن بیستمی، راه عروج رادیکال به صورت یک قدرت عظیم، سراسری، طبقاتی، شورائی و ضد کار مزدی، راه عروج و میداناری به صورت یک طبقه متحد سازمانیافته در یک جنبش نیرومند شورائی ضد بردگی مزدی، راه ظهور به شکل یک طبقه با کل قدرت تاریخ آفرینی طبقاتی خود می باشد. برای این کار باید مبارزات پراکنده محصور در چهاردیواری مراکز کار را به عنوان سکوهای پرشی برای همپیوندی استخواندار طبقاتی با کل توده همزنجیر، همرنج، همدرد، هم مرگ، همزی ببند. بر فراز این سکوها دستهایشان را به سوی هم دراز کنند، فریادهایشان را در هم آمیزند، خواستههایشان را یکی کنند، قدرت پیکارشان را به هم جوش زنند، یک طبقه متحد ضد کار مزدی با یک قدرت فائقه شکست ناپذیر اجتماعی گردند. رژیم ستیزی روز خود را با سرنگونی طلبی ضد سرمایه داری یکی کنند. بر همین بستر بر سینه کل اپوزیسیون های کرکس صفت مرده خوار قدرت جوی دست رد کوبند. این فریاد را در سراسر جامعه و جهان پرطنین سازند که خواستار نابودی کامل سرمایه داری، خواهان تسلط سراسری و شورائی همه آحاد بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود می باشند. باید به این قدرت تبدیل شد. با این قدرت در مقابل سرمایه صف آراست. این قدرت را علیه سرمایه و دولتش اعمال کرد. این راه

یگانه راه پیروزی و رهائی است. راه دیگر همین است که تا کنون رفته ایم و احزاب سندیکاها و اپوزیسیون های شیباد می پیچند. راهی که نتیجه اش وضعیت فاجعه بار حاضر است. کارگران ضد سرمایه داری آبان 1399

بت سازی از شجریان و رویکرد کارگران

طبقات استثمارگر تاریخ، همواره در شکل دهی به افکار مسلط بر جامعه مطابق با اهداف و منویات و منافع خود تدارک دیده و برنامه ریزی کرده اند، یکی از رایج ترین این راهکارها قفل زدن این اهداف و منافع به اشخاص یا "شخصیت پردازی" است. این اشخاص نقش مراجع و نمادهای متبلور و تشخیص یافته این اهداف را می یابند و توده های استثمار شونده از طریق تکریم و ستایش اینان عملاً به عرف و هنجارهای ستمگرانه مطلوب حاکمان تمکین می نمایند.

در جامعه سرمایه داری کارگر برده ای است که علاوه بر وظیفه تولید سودهای افسانه ای طبقه سرمایه دار، اطاعت، تقدیس و تکریم شاهان، فرماندهان نظامی، متفکران، سیاستمداران، دانشمندان، مراجع مذهبی و هنرمندان این طبقه نیز بر ذهن و شعورش سنگینی می کند. آنچه این روزها درباره شجریان جریان دارد نمایش چندش آور همین فرهنگ "شخصیت پردازی" است. در این مراسم، آزاردهنده تر از هر چیز، حضور چشمگیر بخشهایی از کارگران بخصوص اقشار تحصیلکرده طبقه ما بود. متأسفانه به عیان دیدیم که این بخشها هنوز همان راه "یا حسین یا میر حسین" گفتن و جشن و پایکوبی در کارناوال حمایت از روحانی را ادامه می دهند.

شجریان بسیار فاش و عریان از شخصیت‌های اپوزیسیون منحنط اصلاح طلبی بود، این کارگران او را پرچمدار آزادیخواهی معرفی می کنند!! زیرا در سال 88 "مرگ بر دیکتاتور" گفته است!! کارگران شرکت کننده در مراسم و فعالان شبکه های اینترنتی هنوز درنیافته اند که مرگ بر دیکتاتور لفظی پوچ و پوشالی است که اصولگرایان و خامنه ای و میر حسین موسوی و روحانی و هر سرکوبگر آزادی هم در همه جای جهان از گفتن آن ابایی ندارد!!

گویا خیزشهای سالهای 96 و 98، اعتصابات متعدد و مکرر کارگران در نقطه نقطه ایران، سردادن شعار "اداره شورائی" توسط کارگران، ذره ای در فکر و عمل این همزنجیران ما تغییری نداده است. اینان هنوز هم این خیزشها را از آن خود نمی دانند، در پیوستن به این جنبش قدم بر نمی دارند، در قدرت یابی و گسترش و قوام دادن و سراسری کردن آن نقشی برای خود قایل نیستند، از کارگر نامیدن خود شرم دارند، از این جنبش کناره می گیرند و تماشای این مبارزات هستند، به دنبال رهبر تراشی و شخصیت پردازی اند. دخیل بستن به شجریان حکایت از عمق استیصال و بی افقی آنان دارد. این نقطه ضعف بسیار اسفباری برای طبقه ماست.

طبقه ما در دریای فقر و فلاکت، تبعیضات جنسی و کشتار آزادی ها به دنبال راه نجات است. راه برون رفت از این مهلکه، حضور پر قدرت جنبش شورخواهی ضد سرمایه داری است. فقط جنبشی که مداوم و مستمر به مشق جنگ علیه سرمایه بپردازد می تواند به تدریج اکثریت آحاد طبقه ما متشکل از کارگر صنعتی، معلم، پرستار، دانشجو را با هر سطح سواد و آگاهی، فارغ از عقیده و جنسیت بدون بالا و پایین و رهبر و شخصیت، به درون خود فرا خواند و پادزهری علیه هر آلودگی و سم فکری و فرهنگی از جمله "شخصیت سازی" باشد. کارگران ضد سرمایه داری - مهر 1399

آیا می دانید که :

ابعاد تولید مواد شیمیایی در جهان ارقامی نجومی را نشان می دهد که سال به سال نیز بر آن ها افزوده می گردد. تولید مواد شیمیایی در جهان بعد از 1950 افزایش سرسام آور یافت، در همین سال تولید مواد شیمیایی 7 میلیون تن بود و در سال 2003 به 400 میلیون تن رسید. این تولیدات در اروپا 223 میلیون تن در سال 2018 بوده است. در طول 50 سال اخیر، تولید مواد شیمیایی در جهان بیش از 4000 درصد افزایش یافته است و فقط در بحران اقتصادی سرمایه در سال 2008 کاهش داشته است.

امروزه حدود 10 میلیون ماده شیمیایی شناخته شده در جهان وجود دارد. از این حدود 50 هزار به طور فعال در کالاهای مختلف بکار می روند.

فقط درصد ناچیزی از مواد شیمیایی از نظر تخریبات بیولوژیک و محیط زیستی شناسایی شده اند و فقط درباره حدود 15 درصد از این مواد، اطلاعات علمی وجود دارد. تخریبات محیط زیستی بواسطه محصولات شیمیایی تولید شده فقط شامل مناطق و موسسات تولیدی نیست بلکه در همه کشورها اعم از تولید کنندگان و مصرف کنندگان این کالاهای سرمایه ای، در صدها هزار منطقه آلوده نظیر مناطق قبلا صنعتی مخروبه، پمپ های بنزین، کوههای زباله و غیره وجود دارد که هیچ دولتی مسئولیتی در قبال آنها به عهده نمی گیرد.

طبق گزارش دپارتمان محیط زیست چین در آوریل 2014 حدود 43% دریاچه ها و آبریز های چین که در سال 2011 مورد پژوهش قرار گرفته اند، آنقدر آلوده به مواد شیمیایی اند که حتی تماس انسان با آب آنها نامناسب اعلام شده است. آزمایشات انجام گرفته روی ماهی های رود زرد چین، میزان بالایی از فلزات سنگین، مواد حاوی فلور و ترکیبات دیگر فلوردار را که در تولید پارچه، کفش و لباس به کار می روند نشان می دهد.

رود می سی سی پی یکی از بزرگترین رودهای امریکا سالانه 1.5 میلیون تن مواد مضر شیمیایی وارد خلیج مکزیک می کند که نتیجه آن، مرگ هر ساله بخشی از این خلیج به وسعت تمامی شهر نیوجرسی است.

بیش از 40% دریاچه های امریکا آنچنان آلوده به مواد شیمیایی اند که برای ماهی ها، آبی ها و شنا خطرناک می باشند. هر ساله 1.2 میلیارد تن فاضلاب کارخانه ای و شهری به آبهای امریکا وارد می شود.

حدود 2500 ماده شیمیایی در تولید انواع پارچه و لباس به کار می رود از این تعداد 350 (14درصد) عدد آن بسیار خطرناک محسوب می شوند. مقدار مواد شیمیایی (کیلوگرم) به کار رفته برای تولید هر کیلو لباس جین 2.4، تی شرت 3، شلوار کار 1.8، ژاکت ویسکوز 5.5، ژاکت فلیس 2.8 کیلو گرم است. در تولید جین ماده ضد آفتی بکار می رود که نزدیک به 70% رودخانه ها و آبریزهای طبیعی جهان را آلوده کرده است. پارچه ها در هنگام تولید و حمل و نقل با آنتی باکتری ها ضد عفونی می شوند تا هم بوی خوش دهند و هم سالم به بازار برسند.

تغییرات هورمونی، نازایی و باقی ماندن و دورچرخ طولانی این مواد در بدن انسان، حیوانات و گیاهان از عوارض آن ها است. هم اکنون و در طول مدت بعد از جنگ دوم امپریالیستی بیش از 100 ماده خطرناک شیمیایی در بدن انسان گردش می کند، بدون آنکه نابود شود.

یک عرصه و حوزه جدید سرمایه، تولید مواد به شکل نانو (نانو تکنولوژی)، یعنی مواد شیمیایی در اندازه های بسیار کوچک در حد اتم و مولکول (1 تا 100 نانومتر) است. وضعیت زیستی مواد نانو با مواد متعارف فرق دارد بطوریکه براحتی از جدار سلولها و عروق عبور کرده و وارد آن می شوند.

توسعه سرمایه گذاری در مواد شیمیایی نسبت مستقیمی با شیوع انواع سرطان در جهان دارد. تعداد مبتلایان به سرطان در سال 2011 در سوئد 58000 مورد بوده است که این، 644 نفر در هر 100 هزار نفر است. طبق این گزارش، سالیانه 1/7% به این رقم اضافه می گردد که در سال 2017 به رقم 72000 نفر خواهد رسید که در بر گیرنده 758 نفر در هر 100 هزار نفر جمعیت سوئد است.

منابع رسمی جمهوری اسلامی سرمایه در سال 1397 نرخ ابتلا به سرطان در ایران را 158 در هر 100 هزار نفر گزارش کرده اند. تحقیقات وزارت بهداشت سرمایه نشان می دهد که در 15 سال آینده سرطان در ایران دو برابر خواهد شد. وضعیت در تمامی دنیای سرمایه بر همین روال است.

در استان مرکزی ایران، در سال 97 افزایش سرطان، نازایی، جنین های بدون قلب، معلولیت های کودکان، بیماری های پوستی و در نهایت مرگ و میر گزارش شده است. آلودگی های ناشی از «پالایشگاه نفت، پتروشیمی و نیروگاه حرارتی» را عامل همه گیر شدن بیماری های سخت در میان مردم این منطقه معرفی کرده اند. تخریبات محیط زیستی شامل بیماری اغلب مردم این منطقه، مسمومیت زمین های کشاورزی و دام ها نیز می شود.

بشریت طی دهه های اخیر شاهد بروز و افزایش سرسام آور انواع سرطان، آلرژی، اختلالات جنسی، زاد و ولد های ناقص و اختلالات هورمونی است. یکی از بزرگترین و مهمترین تغییرات ژنتیک و جنسی انسان در دوره پس از جنگ امپریالیستی دوم کاهش قدرت زاد و ولد و بروز اختلالات جنسی است. بطوری که انسان بتدریج پس از جنگ مجبور به استفاده هر چه بیشتر از وسایل دیگر نظیر لقاح مصنوعی (In vitro fertilization) و یا درون کاشت مصنوعی (Artificial insemination) است. به طور مثال در دانمارک از هر ده کودک، یکی به این شکل به دنیا می آید و پیش بینی می شود که این روند افزایش یابد. دلیل اولیه را پژوهشگران دانمارکی کاهش فعالیت سلول های جنسی مرد می دانند. همزمان با افزایش 400% سرطان بیضه بعد از جنگ امپریالیستی بین جوانان دانمارکی، محققان نتیجه گرفتند که این دو عامل، کاهش فعالیت سلول های جنسی بعلاوه سرطان بیضه، بانی و باعث افزایش نازایی هستند. آنها در واکاوی های افزون تر خود، افزایش مواد شیمیایی مشابه هورمونی، نفوذ آن در جنین و وقوع تغییرات ژنتیکی در سلول های جنسی پسران در سنین حدود 13 سال را علت اصلی همه این بیماری ها و اختلالات اعلام کردند. نتایج مشابه در نروژ، نیوزیلند، اسکاتلند، فرانسه مشاهده شده است. دیگر عوارض ناشی از تغییرات هورمونی مربوط به مواد مشابه، سرطان کودکان، چاقی و دیابت آنهاست. در این میان تاثیر متقابل و افزایش تصاعدی تخریبی چند ماده شیمیایی (Cocktail effect) را نباید از نظر دور داشت.

آیا اینها پروسه محو سازی بشر و قربانی ساختن کل زندگی و زنده بودن میلیاردها انسان در آستانه سوداندوزی انبوه تر سرمایه نمی باشد. آیا وقت آن فرا نرسیده است که روابط سرمایه داری و کار مزدی به زیر کشیده شود و روابطی مطابق نیازها و خواست های واقعی تمامی انسان ها به دور از هر گونه کار مزدوری و بر پایه حفظ و نگهداری طبیعت برقرار گردد؟ مسلماً اگر چنین تغییری به زودی انجام نگیرد، چه بسا هم اکنون دیر باشد، این سیستم و روابط تولیدی زیر فشار تنگناها، تناقضات و معضلات بازتولید خویش و از همه مهمتر تنگ تر شدن امکان انباشت سرمایه به نابودی علنی زندگی میلیارها انسان دست خواهد زد.

کارگران، زبون در مبارزه طبقاتی! قاهر در شووینیسیم ضد کارگری!

آنچه چند روز اخیر در ساحل شمالی رود ارس و همزمان در چند استان ایران رخ داد، مثل کل حوادث دیگر دنیای سرمایه داری، مثل عظیم ترین بخش رخدادهای درون جنبش کارگری بسیار رعب انگیز و نفرتبار بود. یک بار دیگر دو دولت هار سرمایه داری، رژیمهای آذربایجان و ارمنستان، با اتکاء به پشتوانه های تسلیحاتی بین المللی خود، بر سر سهام قدرت، مالکیت و سود حاصل استثمار توده کارگر، علیه هم وارد جنگ شدند. موضوع جنگ در عالم واقع و خارج از مدار وارونه بافیهای بورژوازی، تعیین تکلیف تعلق بردگان مزدی قره باغ و اضافه ارزشهای تولیدی آنان، اراضی، مواد خام و منابع طبیعی منطقه، به طبقه سرمایه دار این یا آن کشور بود. جنگ بر سر آنست که آیا حاصل استثمار چند صد هزار کارگر داغ لعنت خورده قره باغ، سرمایه مسلم سرمایه داران آذری شود، یا نصیب طبقه سرمایه دار ارمنستان گردد. مواد خام، ذخائر زیر زمینی و انبوه سرمایه هائی که در طول سالیان دراز، توسط نسل بعد از نسل این کارگران تولید شده است به مالکیت وحوش بورژوازی ترک در آید یا حصه سرمایه داران ارمنی شود؟! سرچشمه جنگ جاری دو دولت مثل کل جنگهای تاریخ سرمایه داری سوای بازتقسیم اضافه ارزش ها، سرمایه ها و منابع مورد نیاز چرخه ارزش افزائی سرمایه هیچ چیز دیگر نیست. آنان که در این روزها شبکه های اینترنتی دنیا را میدان واکاوی تاریخ قومیت ها، نژادها، جنگها، عروج و افول تمدنها کردند اند تا ریشه جنگ را پیدا کنند!! شاید ناسور فضل نمائی خود را تشفی داده باشند!! اما ریشه جنگ را نه آشکار که استتار کردند.

بورژوازی با افروختن نائره جنگ، کارگران دو کشور را به جان هم انداخت. میلیونها برده مزدی همزنجیر، انسانهایی که مثل هم زیر فشار استثمار سرمایه از هستی ساقط شده اند، انسانهایی که عین هم در منجلاب گرسنگی، بی خانمانی، بی دارویی، آوارگی، بیکاری، بی سرپناهی، مولود سرمایه داری غرقند، این انسانها را روانه جنگ با هم کرد، تا جنگیدن آنها با هم و کشتار آنان توسط همدیگر را سکوی دستیابی به سهم افزونتر اضافه ارزش ها، قدرتها و حاکمیتها سازد. سرمایه چنین کرد اما رقت بارتر آنکه بخش مهمی از همین کارگران خود نیز با وجد، اشتیاق و مباحات!! در اطاعت از صاحبان سرمایه آماده لت و پار کردن هم گردیدند، برای قتل عام یکدیگر فریاد جنگ، جنگ سر دادند و زیر بیرق سرمایه زن و فرزندان هم را کشتار کردند!! ماهیت بورژوازی است که کارگران را به جان هم اندازد، اما بحث بر سر توده های کارگر است. کارگرانی که سرود ننگین ناسیونالیسم بر لب، آماده قتل عام همزنجیران خویش می شوند. کارگر ارمنی در رکاب سرمایه دار درنده ارمنستانی و کارگر ترک در سنگر بورژوازی خون آشام آذری، همدیگر را به گلوله می بندند، آنچه اینان علیه هم می کنند، صدها بار از بلاهائی که بردگان روم باستان در دوئل های اجباری برنامه ریزی شده برده داران بر سر هم می آوردند، نفرت انگیزتر است. بردگان روم به کشتار همدیگر مباحات نمی کردند، کارگر آذری و ارمنی برای سود نجومی تر اربابان سرمایه دار خود، با تفاخر و عریبه شوم شووینیستی خون هم را می ریزند!! واقعه باز هم غم انگیزتر می شود هنگامی که به یاد داریم نسل پیشین همین کارگران ارمنی و ترک، صد سال پیش دست در دست هم، بسان جانی واحد در کالبدهای مجزا، نیروی سلسله جنبان صدور بیانیه ای بودند که خطاب به کارگران دنیا می گفت: «هر کسی را که نیروی کار مزدی استخدام و استثمار می کند از حقوق شهروندی ساقط کنید و هر برده مزدی را که عاصی از فشار استثمار سرمایه به سوی مرزهای ما می آید، شهروند کامل الحقوق جامعه سازید» آن کارگران به ذهنشان خطور نمی نمود که نسل بعدی آنها چنین رسوائی بار آرد. به دستور سرمایه داران و به حکم دولتهای درنده سرمایه داری دو کشور، سرود سرمایه بر لب آماده کشتار هم شوند!!! این صحنه از دیده هر کارگر آگاهی خون جاری می سازد، اما در همین چند روز شاهد حوادث دردناکتر و کثیف تری هم بودیم. با

شروع جنگ ماوراء ارتجاعی دولتها و طبقه سرمایه دار دو کشور، بلافاصله میلیونها کارگر آذری ساکن ایران، با نقش بازی چشمگیر **درس خوانده های** خود، در استان ها و شهرهای مختلف به خیابان ها ریختند!!! سیل آسا راه افتادند تا چه کنند؟؟؟؟ تا فریاد تعلق بلامنازع قره باغ به سرمایه داران آذری سر دهند!!! تا آمادگی پرشور خود را برای جنگ مقدس در رکاب طبقه سرمایه دار ترک و علیه رقبای ارمنی آنها فریاد زنند!!! تا اعلام کنند که کشتار سبعانه کارگران ارمنی در راه افزایش سهام سود سرمایه داران ترک وظیفه ای ملی، مقدس و مباهات آمیز است!!! شگفتا و هزاران بار شگفتا!!! توده کارگری که زیر فشار کشنده استثمار سرمایه داری جانش به لب رسیده است. کارگرانی که سرمایه آنها را گورخواب، مفلوک، غرق در باتلاق فقر، فحشاء و اعتیاد کرده است برای مبارزه علیه سرمایه و جنایات سرمایه داری، حاضر به چنین خیزش سونامی واری نیستند!!! اما عرق شوم ناسیونالیستی، خونمایه شوونیستی و فخر ترک بودن آنها را این چنین قدرت می بخشد و آماده جنگ می سازد!!! رعب انگیز است که همین کارگران، همین درس خوانده های راست یا حتی چپ نمای کارگر وقتی در اعتراض به تعویق طولانی مدت مزدهای محقر، دست به اعتصاب می زنند حاضر به خروج از چهاردیواری کارخانه، رفتن به سوی همدیگر، همصدائی با همزنجیران و تلاش برای همپیوندی طبقاتی نمی گردند، اما زیر بیرق بورژوازی ترک در یک چشم به هم زدن، همزرم، همسنگر، پرخروش ترین پیکارها را راه می اندازند!!! قابل تعمق است که طوفان خشم شوونیستی میلیونها کارگر چنان نیرومند بود که حتی جمهوری اسلامی، یکی از درنده ترین دولتهای تاریخ سرمایه داری را در پیگیری سیاست های روتین خود به تزلزل واداشت، فاشیسم اسلامی سرمایه خود را مجبور دید که به رغم رابطه تنگاتنگ با بورژوازی ارمنستان، زبان به حمایت از دولت آذربایجان بگشاید، به بیان دیگر کارگران بعد از مدت ها، بالاخره تمام قد، با قدرت گسترده اثرگذار ظاهر گردیدند!!! به نمایش قدرت ایستادند!!!، اما فقط به این صورت که منتهای زبونی، تحجر و شعورباختگی خود را آشکار سازند. اعمال قدرت کردند اما نه علیه سرمایه، نه علیه طبقه سرمایه دار که بالعکس، در رکاب بورژوازی و در خدمت تسویه حساب یک دولت هار سرمایه علیه دولتی دیگر!!! کاری که تاریخا به کرات انجام داده و کماکان انجام می دهد. کل رخدادهای و صحنه ها تنفرآمیزند. ما از همه کارگران ارمنی و آذری در هر دو جهنم سرمایه داری ارمنستان و آذربایجان می خواهیم که ننگ ناسیونالیسم و قبح تعصبات قومی ارمنی و آذری را از دامن خود بزدايند. شما کارگرید، آحاد یک طبقه واحد اجتماعی هستید. طبقه ای که افراشد، در دنیا بسان هم توسط سرمایه جهانی، توسط این یا آن بخش طبقه سرمایه دار بین المللی به سبعانه ترین شکلی استثمار می شود، از کار خود جدا است، از هر گونه حق دخالت در سرنوشت کار، تولید و زندگی خود ساقط است. زیر فشار ستم ها، بی حقوقی ها و جنایات سرمایه قرار دارد. در همه جای جهان به حکم زندگی و برای زنده ماندن مجبور به پیکار علیه استثمار و سبعیت سرمایه داری است. طبقه ای که آحادش با این خصوصیات به تنی واحد می مانند، نخستین انسانهای تاریخند که ظرفیت محو هر گونه استثمار، نابرابری، رهائی از هر قید و هر نیروی ماوراء خود را دارند. زیر بیرق ترک، لر، کرد، فارس، ارمنی، ایزدی، آذری، عرب، شیرازه این وحدت انسانی تاریخساز را بمباران کردن و سلاخ قدرت وحوش بورژوازی کشورها علیه هم گردیدن بسیار نفرت انگیز است. کارگران دنیا نه فقط هیچ جنگی با هم ندارند، نه فقط هیچ تعارض منافعی ندارند که هر میزان معاش بهتر، رفاه، امنیت، دارو و درمان، محیط زیست بهتر، هر مقدار کاهش فقر، فلاکت، گرسنگی و بی خانمانی آنها در گرو یکپارچگی هر چه سراسری تر، بین المللی تر و متحدتر آنها علیه سرمایه است. 90 سال پیش در خوزستان، در اعتصاب سراسری توده های کارگر نفت، در پروسه جنگ کارگران علیه شرکت نفت ایران و انگلیس و نیروهای مزدور رضاخانی، «زها» کارگر جسور، رادیکال و سرمایه ستیز وارد زندان شهربانی اهواز شد. او با جسارت خاص طبقاتی خطاب به افسر زندان گفت که خواستار ملاقات با کارگر زندانی «یوسف افتخاری» است. زندانبان پرسید که چه رابطه ای با

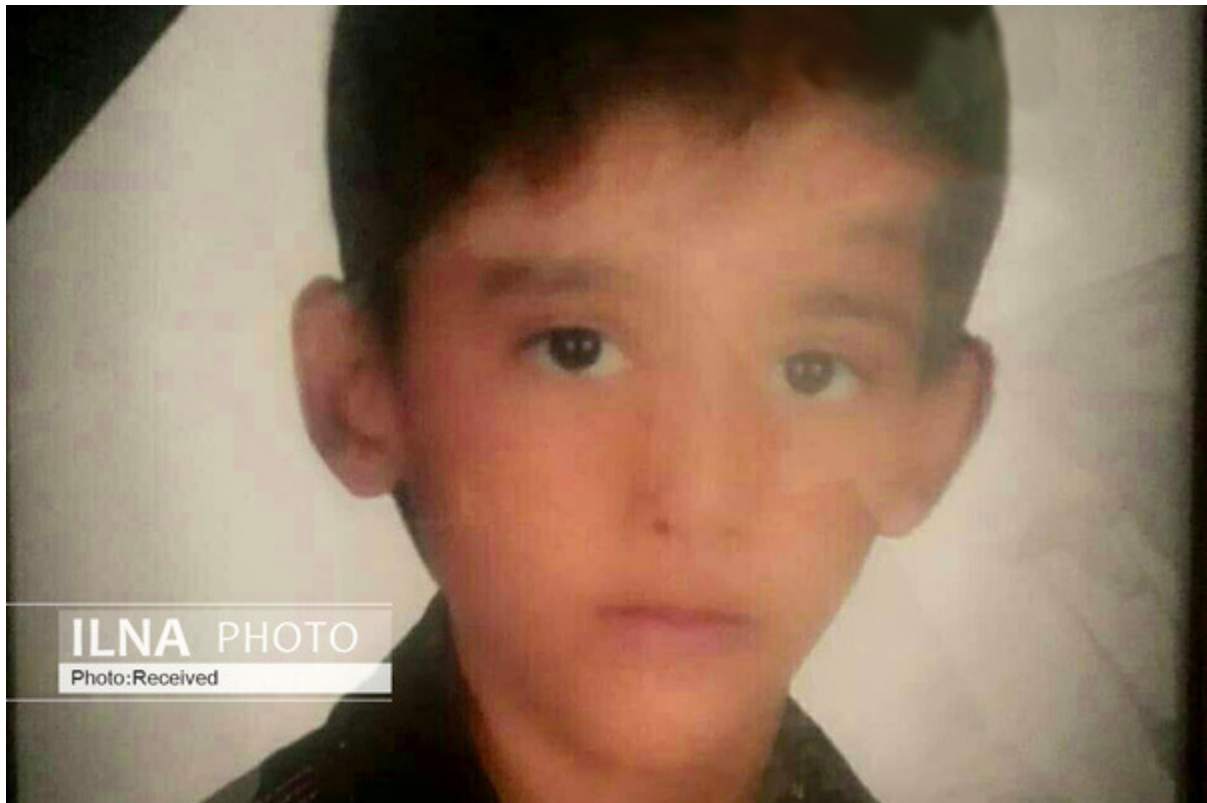
زندانی دارد و زهرا پاسخ داد که خواهر و برادرند!! افسر شگفت زده فریاد زد که تو لری و افتخاری ترک است، چگونه می توانید خواهر و برادر باشید؟ پاسخ زهرا آن بود که ما خواهر - برادرهائی هستیم که لر و ترک و فارس و عرب نمی شناسند. کارگر زنجانی، اردبیلی، مراغه ای، ارومیه ای و کلا آذربایجانی باید با مرور در این برگ سترگ کارنامه پیکار اسلافش از عملکرد شنیع روز خود به وحشت افتد، از خود متنفر گردد، به سوی کارگر ارمنی بشتابد. راه پایان غائله موجود را در هم‌رزمی، همسنگری، همبستگی و یکپارچگی شورائی ضد سرمایه داری کل کارگران ارمنی، ترک، منطقه و جهان علیه کل سرمایه جهانی ببند.

مهر 1399

کارگران ضد سرمایه داری



پرستو جلیلی آذر، دانش آموز مدرسه راهنمایی طلایه ارومیه بود. پدر پرستو کارگر است. او و اعضای خانواده با اینکه طولانی ترین و فرساینده ترین روزانه های کار را تحمل می کنند، در آتش فقر می سوزند. پرستو برای آموزش راه دور در شرایط کرونا نیازمند موبایل بود اما پدر توان خرید گوشی را نداشت. پرستو زیر فشار فقر، احساس بدبختی و حقارت خود را به دار آویخت. خبر مرگ پرستو زمانی به رسانه ها راه یافت که معاون وزیر دارائی فاشیسم درنده اسلامی سرمایه در نهایت وقاحت و بی شرمی اعتراف می کرد که چند صد سرمایه دار با خرید شناسنامه گورخوابان و کارتن خوابان به نام صاحبان سیه روز این شناسنامه ها از دولت هار اسلامی سرمایه کارت بازگانی دریافت کرده اند. با این کارت ها و با دلار 4000 تومانی اهدائی دولت سرمایه بیش از 7 میلیارد دلار دارو وارد کشور نموده اند و این داروها را برای فروش هر چه گرانتر در بازار ممالک همسایه از مرزهای جهنم اسلامی سرمایه خارج نموده اند.



خودکشی کودک 11 ساله خانواده کارگری به دلیل نداشتن مایحتاج اولیه آموزشی
محمد کودکی از طبقه کارگر ایران بود. طبقه ای که دهها میلیون از آحادش در میان شعله های فقر می سوزند، هر سال 2000 تریلیون تومان حاصل استثمارش سرمایه وحوش سرمایه دار می شود. بیش از 4 میلیون فرزندان خردسالش فاقد ابتدائی ترین امکانات آموزشی است و نوباوگانش زیر فشار تنگدستی دست به خودکشی می زنند.

اخبار مبارزات کارگران

- 1- روز شنبه 12 مهر ماه برای چندمین بار جمعی از مریبان پیش دبستانی و معلمان حق التدریسی تهران در اعتراض به ادامه بلا تکلیفی خود در مقابل سازمان آموزش و پرورش تجمع کردند.
- 2- کارگران مترو ۵ تهران روز شنبه 12 مهر ماه نسبت به عدم پرداخت دستمزد، حق بیمه و تمدید نشدن دفترچه های بیمه خود دست به تجمع زدند.
- 3- صبح روز شنبه 12 مهر ماه بار دیگر برای دومین بار کارگران پیمانی نیروگاه گازی سیکل ترکیبی گازی آبادان در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه، سنوات و عیدی و پاداش پایان سال خود تجمع کردند.
- 4- صبح ۱۲ مهر ماه، تعدادی از کارگران بیکار شده «کمر بند سبز» شهرداری منطقه دو اهواز، مقابل ساختمان شهرداری مرکزی اهواز دست به تجمع زدند.

- 5- گروهی از کارگران شرکتی مخابرات ایران در اعتراض عدم پرداخت دستمزدهایشان در مقابل ساختمان وزارت ارتباطات دست به تجمع زدند.
- 6- جمعی از خانواده های کارگران بازنشسته مشمول اشتغال فولاد، روز شنبه 12 مهر ماه با برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان وزارت کشور خواستار پرداخت مطالبات مزدی خود شدند.
- 7- کارگران بخش های مختلف شرکت برق ویس روز شنبه 12 مهر ماه با تجمع مقابل ساختمان شرکت برق در اهواز به عدم امنیت شغلی خود اعتراض کردند.
- 8- اعتراض کارگران اخراجی فضای سبز شهرداری منطقه 2 اهواز نسبت به اخراج از کار و عدم پرداخت دستمزد شان روز 13 و 14 مهر ماه مقابل ساختمان شهرداری مرکزی ادامه داشت.
- 9- روز یکشنبه 13 مهر، کارکنان شرکتی مراکز درمانی و بهداشتی کشور در ادامه اعتراضاتشان نسبت به عدم تبدیل وضعیت و سطح نازل دستمزد، دست به تجمع مقابل مجلس و سازمان برنامه زدند.
- 10- روز یکشنبه سیزدهم مهر ماه، بیش از 300 راننده تانکر در اعتراض به کاهش دستمزدهایشان، جاده اصلی گذرگاه پرویزخان را مسدود کردند.
- 11- کارگران مجموعه ورزشی زنجان بار دیگر روز یکشنبه 13 مهر ماه در اعتراض به عدم پرداخت 6 ماه دستمزد معوقه خود مقابل ساختمان این مجموعه ورزشی تجمع کردند.
- 12- صبح روز دوشنبه 14 مهر ماه برای چندمین بار طی هفته جاری جمعی از کارگران شرکتی مراکز درمانی و بهداشتی کشور در اعتراض به عدم امنیت شغلی و سطح نازل دستمزد های خود مقابل مجلس سلامی سرمایه تجمع کردند.
- 13- جمعی از کارگران اخراجی شرکت مپنا از مجموعه های پالایشگاه بید بلند 2 بهبهان روز های 14 و 15 مهر ماه برای دومین روز متوالی با برپایی تجمع در مقابل این پالایشگاه خواستار بازگشت به کار خود شدند.
- 14- جمعی از مربیان پیش دبستانی ایذه روز های 14 و 19 مهر، در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت شغلی، سطح نازل دستمزد و شرایط سخت کاری خود مقابل اداره کل آموزش و پرورش خوزستان تجمع کردند.
- 15- جمعی از کادر سلامت طرح پزشک خانواده در ایرانشهر واقع در جنوب استان سیستان و بلوچستان و کارگران شرکتی و بیمه روستایی روز دوشنبه 14 مهر ماه نسبت به عدم پرداخت 3 ماه دستمزد دست به تجمع زدند.
- 16- تداوم تجمع اعتراضی کارگران شهرداری خرمشهر روز 14 مهر برای چندمین بار به دلیل عدم دریافت دستمزد و حق بیمه مقابل ساختمان شهرداری.
- 17- روز های 14 و 15 مهر برای چندمین روز، کارگران راه آهن آذربایجان - شرکت گسترش آهن راه در اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزد و ندادن بن های رمضان و عیدی به اعتصابشان ادامه دادند.
- 18- اعتصاب و تجمع رانندگان خودروهای استیجاری شرکت نفت و گاز گچساران در اعتراض به کاهش دستمزد و کسری 4 ماه مزایا شنبه 15 مهر ماه برای شانزدهمین روز متوالی ادامه داشت.
- 19- اعتصاب کارگران راه آهن لرستان بدلیل دریافت نکردن دستمزد و مزایا روز 15 مهر.
- 20- تعدادی از کارگران فضای سبز فاز صفر شهر جدید پرند روز سه شنبه 15 مهر ماه در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه دستمزد و حق بیمه خود تجمع کردند.
- 21- تعدادی از کارگران پیمانکاری فضای سبز عسلویه روز سه شنبه 15 مهر ماه در اعتراض به نداشتن بیمه و نازل بودن سطح دستمزد خود اعتراض کردند.

- 22- کارگران اخراجی شرکت مپنا در پالایشگاه بید بلند 2 بهبهان روز چهارشنبه 16 مهر ماه برای چهارمین روز متوالی مقابل دفتر نماینده این دست به تجمع زدند.
- 23- شماری از کارگران فضای سبز شهرداری امیدیه روز 16 مهر ماه در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه معوقات مزدی و عیدی و سنوات پرداخت نشده دست به اعتراض زدند.
- 24- جمعی از کارگران کارخانه آب معدنی داماش برای چندمین بار، صبح روز پنجشنبه 17 مهر ماه در اعتراض به ادامه بلا تکلیفی شغلی و دستمزدهای معوقه خود دست به تجمع زدند.
- 25- روز پنجشنبه 17 مهر ماه برای چندمین روز متوالی کارگران شهرداری لوشان و کارگران کارخانه آهن و فولاد لوشان به طور جداگانه در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه خود دست به تجمع زدند.
- 26- روز پنجشنبه 17 مهر ماه برای چندمین روز متوالی در اعتراض به عدم دریافت دستمزد کارگران خدمات شهری شهرداری اهواز به اعتصابشان ادامه دادند و از جمع آوری زباله ها خودداری کردند.
- 27- صبح روز شنبه 19 مهر ماه برای چندمین روز متوالی شماری از کارگران خطوط ابنیه فنی در نواحی ریلی آذربایجان، سرخس، ورامین، لرستان، زاگرس در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه دست به تجمع زدند.
- 28- کارگران کارخانه ایران خودرو تبریز به دلیل تاخیر در پرداخت دستمزد شان دست به اعتصاب زده و خواهان پرداخت حقوق های معوقه خود شدند.
- 29- تعدادی از رانندگان خودروهای گاز سوز ال پی جی و اهالی شهر اهواز در اعتراض به نبود گاز مصرف خانگی در مقابل فرمانداری این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند.
- 30- روز شنبه 19 مهر برای دومین روز متوالی، اهالی روستای بنان زرنند در استان کرمان برای اعتراض به خشک شدن قنات این روستا بدلیل فعالیت معدن زغال سنگ خمرود دست به تجمع مقابل این معدن زدند.
- 31- روز شنبه 19 مهر، کارگران طرح آبیاری دشت سیستان (شرکت پیمانکاری جهاد نصر همدان) در اعتراض به عدم پرداخت 8 ماه دستمزدشان دست به تجمع مقابل ساختمان جهاد کشاورزی زابل زدند.
- 32- تجمع اعتراضی کارگران شیرخوارگاه های تهران در عدم دریافت دستمزد.
- 33- کارگران خدمات شهری شهرداری اروندکنار آبادان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود، در مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع زدند.
- 34- روز شنبه 19 مهر، 120 کارگر بیکار شده پتروشیمی دهلران با 4 ماه دستمزد معوقه با برپایی تجمع مقابل این مجتمع واقع در استان ایلام - 22 کیلومتری جاده دهلران - اندیمشک خواستار بازگشت به کار و پرداخت مطالباتشان شدند.
- 35- اعتصاب کارگران راه آهن لرستان صبح روز 20 و 21 مهر جلوی اداره کل لرستان بدلیل دریافت نکردن دستمزد و بیمه.
- 36- اعتصاب کارگران کارخانه خودروسازی مدیران خودرو، واقع در استان کرمان، منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید بم در اعتراض به عدم پرداخت به موقع و کامل دستمزد ماهیانه ادامه داشته است.
- 37- گروهی از کارگران شهرداری دهدشت روز یکشنبه 20 مهر ماه در اعتراض به عدم پرداخت حق فنی خود مقابل اداره کار کهگیلویه و بویر احمد تجمع کردند.
- 38- کارگران فضای سبز شهرداری اروند کنار روز یکشنبه 20 مهر ماه در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد و حق بیمه های خود، دست از کار کشیده و اقدام به برگزاری تجمع کردند.

- 39- جمعی از کارگران اخراجی پتروشیمی دهلران روز دوشنبه 21 مهر ماه برای سومین روز متوالی با خواست بازگشت به کار دست به تجمع زدند.
- 40- جمعی از معلمان حق التدریسی اخراجی زنجان روز دوشنبه 21 مهر ماه با برپایی تجمع مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان خواستار پایان دادن به بلا تکلیفی شغلی و کاهش دستمزدهای خود شدند.
- 41- جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی اراک روز دوشنبه 21 مهر ماه در اعتراض به سطح نازل حقوق ها مقابل کانون بازنشستگان این شهر تجمع کردند.
- 42- کارگران شاغل در طرح آبرسانی دشت سیستان صبح روز سه شنبه 22 مهر ماه برای چندمین بار در اعتراض به عدم پرداخت 8 ماه دستمزد معوقه خود دست از کار کشیده و اقدام به برگزاری تجمع کردند.
- 43- روز سه شنبه 22 مهر ماه 1399، جمعی از کارگران شاغل در آب و فاضلاب بندر امام در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد و مزایای آنها تجمع برگزار کردند.
- 44- جمعی از کارگران شهرداری فضای سبز شهرداری یاسوج روز 23 و 24 مهر برای چندمین بار در اعتراض به عدم پرداخت 8 ماه دستمزد معوقه خود مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند.
- 45- جمعی از کارگران بازنشسته مجتمع مخابرات راه دور شیراز روز چهارشنبه 23 مهر ماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و مطالبات معوقه خود دست به اعتراض زدند.
- 46- بخشی از کارگران پتروشیمی رازی واقع در سایت پنج منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت نشدن دستمزدها و وعده های توخالی مسنولان روزهای 23 و 24 و 29 مهر دست از کار کشیدند و با تجمع مقابل ساختمان اداری این شرکت مانع از ورود و خروج کارگران این مجتمع شدند.
- 47- کارگران بخش کشت مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه روز پنجشنبه 24 مهر ماه همانند روزهای گذشته با برپایی تجمع نسبت به عدم پرداخت بموقع مطالبات خود اعتراض کردند.
- 48- چند روزی است کارگران کوره های آجرپزی شهرستان سیب و سوران در استان سیستان و بلوچستان برای افزایش دستمزد دراعتصاب بسر می برند. اعتصاب کارگران کوره های آجر پزی سیب و سوران موجب تعطیلی کوره های آجرپزی سیب و سوران و کمیاب شدن آجر در شهرستان سراوان شده است.
- 49- بیش از دویست نفر از کارگران کارخانه ایران پوپلین رشت روز پنجشنبه 24 مهر ماه در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی خود دست به اعتراض زدند.
- 50- گروهی از کارگران کارخانه زمزم تبریز روز پنجشنبه 24 مهر ماه در اعتراض به اخراج شماری از همکاران خود دست به تجمع زدند.
- 51- رانندگان استیجاری مرکز بهداشت شهرستان مهرستان در استان سیستان و بلوچستان، نسبت به عدم پرداخت 5 ماه دستمزدشان روز های 24 و 25 مهر تجمع کردند.
- 52- کارگران کارخانه زمزم تبریز برای دومین بار روز شنبه 26 مهرماه، در اعتراض به اخراج شماری از همکاران خود و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست به تجمع زدند.
- 53- صبح روز شنبه 26 مهر ماه کارگران پروژه بزرگراه اهر- مشکین شهر برای سومین بار در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کردند.
- 54- تجمع اعتراضی و اعتصاب کارگران پتروپالایش لامرد در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای معوقه.

- 55- کارگران سازمان پسماند شهرداری بجنورد بار دیگر روز شنبه 26 مهر ماه به همراه اعضاء خانواده های خود در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم تبدیل وضعیت مقابل شهرداری شهرستان و استانداری خراسان شمالی تجمع کردند.
- 56- روز های 26 تا 30 مهر بخشی از کارگران پالایشگاه گاز پارسیان واقع بر کناره بزرگراه لامرد - مهر- عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت 4 ماه دستمزد دست از کار کشیدند.
- 57- صبح روز 26 مهر تعدادی از کارگران بیکار شده «کمر بند سبز» شهرداری منطقه دو اهواز، مقابل ساختمان شهرداری مرکزی اهواز دست به تجمع زدند.
- 58- کارگران شهرداری شهر حمیدیه به دلیل عدم پرداخت دستمزدهایشان 5 روز است که از کار دست کشیده اند و خیابانهای این شهر پر از زباله شده اند و بوی عفونت دارند.
- 59- کارگران سازمان حمل و نقل بار و مسافربری شهرداری یاسوج روز یکشنبه 27 مهر ماه نسبت به عدم پرداخت 9 ماه دستمزد اعتراض کردند.
- 60- تجمع اعتراضی کارگران نانوايي‌های یزد، روز یکشنبه ۲۷ مهر در اعتراض به دستمزدهای نازل خود.
- 61- گروهی از کارگران آتش نشانی دهدشت در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، در مقابل ساختمان آتش نشانی این شهر تجمع کردند.
- 62- کارگران هتل لاله بیستون واقع در کرمانشاه، در اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه دستمزد و ۱۴ ماه حق بیمه خود، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.
- 63- روز دوشنبه 28 مهر جمعی از رانندگان خطوط بی آر تی سامانه چهار در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود تجمع کردند.
- 64- روز سه شنبه 29 مهر ماه کارگران آب معدنی داماش در اعتراض به فروش این کارخانه و بیکاری خود دست به تجمع زدند.
- 65- کارگران شهرداری حمیدیه روز سه شنبه 29 مهر ماه در اعتراض به عدم پرداخت 15 ماه دستمزد معوقه خود مقابل ساختمان شهرداری و شورای این شهر دست به تجمع زدند.
- 66- صبح روز چهارشنبه 30 مهر ماه جمعی از کارگران قراردادی صنعت نفت برای چندمین روز متوالی در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت خود مقابل مجلس اسلامی سرمایه تجمع کردند.
- 67- اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران مرکز اطلاعات تلفن 118 مخابرات شیراز نسبت به نداشتن امنیت شغلی، شیوه جدید عقد قراردادها و شرایط کاری سخت مقابل استانداری فارس برای دومین بار.
- 68- صدها تن از کارگران کارخانه کیان تایر اسلامشهر روز چهارشنبه 30 مهر ماه در اعتراض به نبود امنیت شغلی خود در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند.
- 69- کارگران شهرداری لردگان روز چهارشنبه 30 مهر ماه در اعتراض به عدم پرداخت 4 ماه دستمزد و حق بیمه و همچنین عدم رعایت پروتکل های بهداشتی در چارچوب مقابله با بیماری کووید 19 دست به تجمع زدند.
- 70- اعتراضات کارگران شهرداری سورجانی نسبت به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه، روز پنجشنبه 1 آبانماه برای چندمین روز متوالی ادامه داشت.
- 71- کارگران پیمانی آب و فاضلاب اهواز روز پنجشنبه 1 آبانماه برای دومین بار در اعتراض به عدم امنیت شغلی خود مقابل ساختمان شرکت تجمع کردند.

- 72- جمعی از مربیان پیش دبستانی شهر یاسوج امروز پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۹۹، با تجمع در مقابل دفتر نماینده مردم بویراحمد، دما و مارگون در مجلس و ساختمان پردیس دانشگاه فرهنگیان، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.
- 73- جمعی از کارگران اخراجی راهداری و حمل و نقل جاده‌ای قزوین روز پنجشنبه ۱ آبانماه در اعتراض به ادامه بلاتکلیفی شغلی خود دست به تجمع زدند.
- 74- کارگران پیمانی آب و فاضلاب اهواز روز پنجشنبه ۱ آبانماه برای دومین بار در اعتراض به عدم امنیت شغلی خود مقابل ساختمان شرکت تجمع کردند.
- 75- بیش از یک هزار نفر از کارگران کارخانه برفاب در استان چهار محال و بختیاری روز های ۱ و ۳ و ۵ آبانماه با خواست بازگشت به سرکارهای خود دست به تجمع زدند.
- 76- روز پنجشنبه ۱ آبانماه جمعی از کارگران سایت پسماند صفیره در اهواز در اعتراض به ادامه بلاتکلیفی شغلی و عدم دریافت دستمزد خود مقابل ساختمان مرکزی شهرداری این شهر تجمع کردند.
- 77- گروهی از کارگران پیمانکاری شهرداری «جهرم» روز شنبه ۳ آبانماه در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه دستمزد خود دست به تجمع زدند.
- 78- روز شنبه ۳ آبانماه کارگران پروژه راهسازی اهر به مشکین شهر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها ایشان بار دیگر دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کردند.
- 79- در پی اعتصاب رانندگان شرکتی اتوبوسرانی بوشهر مبنی بر عدم پرداخت دستمزدهایشان، از ظهر روز های ۳ و ۵ آبانماه فعالیت اتوبوس ها متوقف شد.
- 80- معلمان طرح خرید خدمات آموزشی یزد روز شنبه ۳ آبانماه در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی مقابل استانداری سرمایه تجمع کردند.
- 81- روز یکشنبه ۴ آبانماه جمعی از کارگران کشتارگاه مرغ مانشت در استان ایلام در اعتراض به تعطیلی کارخانه و بیکاری ۸۸ کارگر دست به تجمع زدند.
- 82- کارگران پایبینگ و جوشکاری نفت در شرکتهای پتروپالایش فازهای ۱۳ و ۱۴ و بندر صادراتی تمبک روز های ۴ و ۵ آبانماه برای چندمین روز متوالی در اعتراض به سطح نازل دستمزدهای خود دست از کار کشیدند.
- 83- روز دوشنبه ۵ آبان ۱۳۹۹، گروهی از بازنشستگان شرکت نفت که در مقابل وزارت نفت تجمع کرده بودند، از سوی نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.
- 84- امروز ۶ آبان کارگران در بندر امام کارکنان پتروشیمی نوید زر شیمی به دلیل ندادن افزایش حقوق اعتصاب کردند. البته کل شرکت ۲۰۰ نفر اند فقط نفرات خط تولید سر کار موندن که شرکت نخواهد!!
- 85- تعدادی از کارگران دروازه های ورودی منطقه آزاد اروند در اعتراض به عدم پرداخت چندماه دستمزدهای معوقه دست به تجمع زدند.
- 86- روز ۶ آبان جمعی از کارگران و رانندگان سازمان خدمات موتوری شهرداری اهواز، به دلیل عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و حق بیمه، مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع زدند